



پاسخنامه

دوازدهم انسانی

۲۷ شهریور ماه ۱۴۰۵

ایران تونل
بنیاد علمی آموزشی قلم چی (وقف عام)

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب بین صبا و فلسطین پلاک ۹۲۳ - بنیاد علمی آموزشی قلم چی (وقف عام)

۰۲۱-۶۴۶۳

«تمام دارایی‌ها و درآمدهای بنیاد علمی آموزشی قلم چی وقف عام است بر گسترش دانش و آموزش»

پدید آورندگان آزمون

طراحان به ترتیب حروف الفبا

نام درس	نام طراحان
ریاضی	محمد اسدی، محمد بحیرایی، ابوالفضل بهاری، عارف بهرام‌نیا، شمیم پهلوان‌شریف، احمد حسن‌زاده‌فرد، علی حسینی‌نوه، رضا خانبابائی، میثم خشنود، شکیب رجبی، امیر زراندوز، پیمان طیار، علی قهرمان‌زاده، امیر محمودیان
علوم و فنون ادبی	سید علیرضا احمدی، حسن اصحابی، محسن اصغری، سعید جعفری، مجتبی فرهادی، مبین محمدی تراکمه
جامعه‌شناسی	رانیا امیری، ریحانه امینی، سینا غلامی، سید آرش مرتضائی‌فر، محمدمهدی یعقوبی
روان‌شناسی	هان‌ا احمدزاده، محمد حبیبی، محمدرضا شریفی، محمدرحمان فرهادی، فرید هادی
عربی، زبان قرآن	نوید امساک، ولی برجی، ابوطالب درائی، محمدرضا سواری، کامران عبدالهی، امیرعلی فردین، حمیدرضا قاندامینی، مصطفی قدیمی‌فرد، مرتضی کاظم‌شیرودی، محمدصادق محسنی، سید محمدعلی مرتضوی، محمدمهدی یعقوبی
تاریخ و جغرافیا	علیرضا آزادی‌زاده، راضیه ابراهیمی‌نژاد، فاطمه احمدی، علیرضا پدرام، یاسین ساعدی، علیرضا سالمی، حامد صفرخانیان، عاطفه طاهر، فاطمه عزیزی، محمدمهدی یعقوبی
فلسفه و منطق	حسین آخوندی راهنماچی، جواد پاکدل، سبا جعفرزاده صابری، پرگل رحیمی، محمد رضایی‌بقا، موسی سپاهی، حمید سودیان، مهرشاد عباسی، فرهاد قاسمی‌نژاد، محمد قربانی، امیرمحمد قلعه‌کاهی، علی معزی، فیروز نژادنجف، علیرضا نصیری
اقتصاد	آفرین ساجدی، سارا شریفی، مهدی ضیائی، احسان عالی‌نژاد، مهدی کاردارن، محمدحسین متولی

گزینشگران و ویراستاران

نام درس	گزینشگر	مسئول درس	ویراستاران	مستندسازی
ریاضی و آمار	محمد بحیرایی	محمد بحیرایی	مهدی ملارمضانی عباس مالکی	مسئول درس: ابراهیم نوری ویراستار: معصومه صنعت‌کار، سجاد سلیمی
علوم و فنون ادبی	فرهاد علی‌نژاد	سیدعلیرضا احمدی فرهاد علی‌نژاد	زهره توکلی محمدمهدی اسلامی	مسئول درس: فریا رنوفی ویراستار: محسن جمشیدی، مانده ملکی
جامعه‌شناسی	سید آرش مرتضائی‌فر	سید آرش مرتضائی‌فر	—	مسئول درس: سجاد حقیقی‌پور ویراستار: علی ابراهیمی آرائی، زهرا شمسایی
روان‌شناسی	محمد حبیبی	محمد حبیبی	سینا غلامی	مسئول درس: محمدصدرا پنجه‌پور ویراستار: مریم عابدی، محمدحسن سعیدی
عربی زبان قرآن	احسان کلاته‌عربی	سید محمدعلی مرتضوی	درویشعلی ابراهیمی	مسئول درس: لیلا ایزدی ویراستار: ابوالفضل مرادی، وجیهه نجفی
تاریخ و جغرافیا	محمدمهدی یعقوبی	محمدمهدی یعقوبی	علیرضا سالمی فاطمه عزیزی	مسئول درس: محمدصدرا پنجه‌پور ویراستار: محمدحسن سعیدی
فلسفه و منطق	محمد قربانی	فرهاد علی‌نژاد	امیرمحمد قلعه‌کاهی ایمان کلاته‌عربی	مسئول درس: سوگند بیگلری ویراستار: علی بدری، محمدحسین صادق‌پور
اقتصاد	مهدی ضیائی	سارا شریفی	سینا غلامی	مسئول درس: سجاد حقیقی‌پور ویراستار: علی ابراهیمی آرائی، زهرا شمسایی

گروه فنی و تولید

مدیر گروه	سید محمدعلی مرتضوی
مسئول دفترچه	فاطمه منصورخاکی
گروه مستندسازی	مدیر: محیا اصغری، مسئول دفترچه: لیلا ایزدی
حروف‌چین و صفحه‌آرا	مهشید ابوالحسنی
ناظر چاپ	حمید عباسی

ریاضی و آمار (۲)

۱- گزینه «۴»

(عارف بهرام‌نیا)

ابتدا خط فقر به روش نصف میانگین را حساب می‌کنیم:

$$\text{میانگین} = \frac{x+10+25+30+18+16+20}{7} = \frac{x+119}{7}$$

$$\text{خط فقر} = \frac{x}{2} = \frac{x+119}{14} \geq 11$$

$$x+119 \geq 154 \Rightarrow x \geq 35 \Rightarrow x_{\min} = 35$$

(ریاضی و آمار (۲)، آمار، صفحه‌های ۵۶ و ۵۷)

۲- گزینه «۲»

(رضا قانایانی)

شاخص ۱۴۰۴ نسبت به سال ۱۴۰۳، ۲۰ درصد افزایش یافته است، یعنی ۱/۲ برابر شده؛ پس:

$$\text{شاخص } 1404 = 1/2 \times 1403 \text{ شاخص}$$

$$150 = 1/2 \times x \Rightarrow x = 150 \times \frac{2}{1} = \frac{1500}{12} = 125$$

$$\text{شاخص } 1403 = 1/25 \times 1402 \text{ شاخص}$$

$$125 = 1/25 \times y \Rightarrow y = \frac{125}{1/25} = 100$$

$$y = 100$$

$$\text{شاخص } 1402 - \text{شاخص } 1404 = 100 \times \frac{1402 - 1404}{1402} \text{ تورم}$$

$$\text{تورم } 1403 = \frac{150 - y}{y} \times 100$$

$$= \frac{150 - 100}{100} \times 100 = 50$$

(ریاضی و آمار (۲)، آمار، صفحه‌های ۵۸ و ۵۹)

۳- گزینه «۲»

(شکیب ربیعی)

$$\text{شاخص بهای دو کالا در سال } 97 = \frac{(40 \times 3000) + (80 \times 12000)}{(40 \times 1500) + (80 \times 3000)}$$

$$\times 100 = \frac{120000 + 960000}{60000 + 240000} \times 100$$

$$= \frac{108}{30} \times 100 = 3/6 \times 100 = 360$$

(ریاضی و آمار (۲)، آمار، صفحه‌های ۵۹ و ۶۰)

۴- گزینه «۲»

(محمدراسری)

اگر تعداد اولیه بیکاران را x در نظر بگیریم، داریم:

$$\frac{x}{1200+x} = 0/2 \Rightarrow x = 300$$

جمعیت فعال:

$$1200 + 300 = 1500$$

بعد از اشتغال ۲۰۰ نفر:

$$\text{جمعیت جدید بیکار} = 300 - 200 = 100$$

بنابراین داریم:

$$\text{نرخ بیکاری} = \frac{100}{1500} \times 100 = \frac{1}{15} = 6/7\%$$

(ریاضی و آمار (۲)، آمار، صفحه‌های ۶۰ و ۶۱)

۵- گزینه «۴»

(احمد حسن زاده فرد)

شاخص پوسیدگی از سال ۱۴۰۱ از ۳ به ۱ در سال ۱۴۰۳ کاهش یافته است.

$$\text{تغییرات شاخص} = \frac{(\text{شاخص } 1403) - (\text{شاخص } 1401)}{\text{شاخص } 1401 (\text{پایه})}$$

می‌خواهیم روند تغییرات نسبت به سال ۱۴۰۱ را محاسبه کنیم.

$$= \frac{1-3}{3} = \frac{-2}{3} = -66/6\%$$

(ریاضی و آمار (۲)، آمار، صفحه ۶۲)

۶- گزینه «۴»

(محمدرضا بفرایی)

$$\text{نفر } 2200 = 2000 + 200 = \text{جمعیت فعال}$$

$$15 = \frac{x}{2200} \times 1000 \Rightarrow x = 15 \times 2200 = 3300$$

$$\Rightarrow x = 15 \times 22 = 330 \text{ نفر}$$

$$130 = 330 - 200 = \text{تعداد بیکار شده بر اثر بحران}$$

(ریاضی و آمار (۲)، آمار، صفحه‌های ۶۰ و ۶۱)

۷- گزینه «۳»

(امیر زراندوز)

$$\text{شاخص در سال } 1400 \times \text{قیمت در سال پایه} = \frac{40 \times 310}{100} = \frac{12400}{100}$$

$$= 124 \text{ میلیون تومان}$$

توجه کنید که تمام شاخص‌ها در سال پایه برابر ۱۰۰ فرض می‌شوند.

(ریاضی و آمار (۲)، آمار، صفحه‌های ۵۸ و ۶۷)

۸- گزینه «۱»

(محمدرضا بفرایی)

$$\text{وزن بر حسب کیلوگرم} \\ \text{BMI} = \frac{\text{وزن}}{\text{مقدور قد بر حسب متر}}$$

$$\Rightarrow 22 = \frac{x}{(1/8)^2} \Rightarrow x = 22 \times 1/8^2 = 71/28$$

(ریاضی و آمار (۲)، آمار، صفحه ۶۱)

۹- گزینه «۱»

(کتاب آبی پیمان‌های)

از آنجایی که خط فقر به روش میان و میانگین با هم برابر هستند، پس

میان و میانگین با هم مساوی هستند. تعداد داده‌ها ۶ تاست و داده‌ها به

ترتیب هستند، پس میان برابر با میانگین دو داده وسط است:

$$\text{میان} = \frac{x+4/8}{2}$$

میان را برابر با میانگین داده‌ها قرار می‌دهیم.

(شکلیب ریاضی)

۱۴- گزینه ۲»

متغیر سوم در نمودار حبابی متناسب با مساحت دایره‌ها یا متناسب با توان دوم شعاع یا قطر دایره‌ها است.

تعداد طرفداران تیم $x_A = A$

تعداد طرفداران تیم $x_B = B$

$$r_A = 3r_B$$

$$\frac{x_A}{x_B} = \frac{S_A}{S_B} = \frac{r_A^2}{r_B^2} \Rightarrow \frac{x_A}{3200} = \left(\frac{3r_B}{r_B}\right)^2$$

$$\frac{x_A}{3200} = 9 \Rightarrow x_A = 9 \times 3200 = 28800$$

(ریاضی و آمار (۱)، نمایش داده‌ها، صفحه‌های ۱۱۳ تا ۱۱۴)

(معمّر اسری)

۱۵- گزینه ۲»

$$\frac{x}{150} = \frac{50}{100} \Rightarrow x = 75$$

برای آبخار موفق:

$$\frac{y}{90} = \frac{40}{100} \Rightarrow y = 36$$

برای دقاع روی تور:

(ریاضی و آمار (۱)، نمایش داده‌ها، صفحه‌های ۱۱۴ و ۱۱۵)

(معمّر بفرایی)

۱۶- گزینه ۴»

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «رسم مکعب مستطیل ممکن است اطلاعات دقیق را به بیننده انتقال ندهد.

گزینه ۲: زمانی که درصد را گزارش می‌کنیم به شرطی که بیشتر از ۶ مقدار نداشته باشیم از نمودار دایره‌ای استفاده می‌کنیم.

گزینه ۳: برای متغیرهای اسمی نمودار میله‌ای مناسب‌تر از نمودار بافت نگاشت است.

گزینه ۴: درست است.

(ریاضی و آمار (۱)، نمایش داده‌ها، صفحه‌های ۱۰۰ تا ۱۰۹)

(ابوالفضل بوعاری)

۱۷- گزینه ۳»

برای محاسبه زاویه مرکزی مربوط به هر متغیر از رابطه $\alpha = \frac{f_i}{n} \times 360^\circ$

استفاده می‌کنیم که در اینجا $\frac{f_i}{n}$ برابر نسبت درصد فراوانی به ۱۰۰ است.

$$100 = 10 + 15 + 20 + 25 + 30$$

$$C \text{ زاویه مرکزی} = \frac{f_c}{100} \times 360^\circ = \frac{15}{100} \times 360^\circ = 54^\circ$$

(ریاضی و آمار (۱)، نمایش داده‌ها، صفحه‌های ۱۰۰ تا ۱۰۹)

$$\frac{x+21}{2} = \frac{2/7+3/1+x+4/8+5/5/4}{6}$$

$$\times 6 \rightarrow 3x+14/4 = x+21 \Rightarrow 2x = 6/6 \Rightarrow x = 3/3$$

(ریاضی و آمار (۲)، آمار، صفحه ۵۷)

(کتاب آبی پیمانه‌ای - کنگور سراسری ۹۹)

۱۰- گزینه ۱»

شاخص بهای کالا و خدمات بدون بُعد است و با دو برابر شدن واحد اندازه‌گیری مقدار آن تغییر نمی‌کند. در واقع اگر واحد اندازه‌گیری ۲ برابر شود، این دو برابر شدن هم در صورت و هم در مخرج کسر اتفاق می‌افتد، در نتیجه کل شاخص بهای کالا و خدمات تغییر نمی‌کند.

(ریاضی و آمار (۲)، آمار، صفحه ۵۹)

ریاضی و آمار (۱)

(معمّر بفرایی)

۱۱- گزینه ۴»

$$\bar{x} = \frac{3 \times 4 + 4 \times 3 + 5 \times 10 + 6 \times 3}{4 + 3 + 10 + 3} = \frac{92}{20} = 4.6$$

چون تعداد داده‌ها زوج است، میانه برابر است یا میانگین دو داده وسطی:

$$\text{میانه} = \frac{\text{داده‌های دهم} + \text{داده‌های نهم}}{2} = \frac{5 + 5}{2} = 5$$

$$\Rightarrow 5 - 4.6 = 0.4 = 4/10$$

(ریاضی و آمار (۱)، نمایش داده‌ها، صفحه‌های ۱۰۰ تا ۱۰۴)

(علی قهرمان‌زاده)

۱۲- گزینه ۲»

$$\begin{array}{ccc} 5, 5, 7, 8, 9, 9, 9, 10 \\ \downarrow \quad \downarrow \quad \downarrow \\ Q_1 = 5 \quad Q_2 = 8 \quad Q_3 = 9 \end{array}$$

$$\frac{9Q_3}{5Q_1} = \frac{9 \times 9}{5 \times 5} = \frac{81}{25}$$

(ریاضی و آمار (۱)، نمایش داده‌ها، صفحه‌های ۱۰۵ و ۱۰۶)

(علی قهرمان‌زاده)

۱۳- گزینه ۴»

از روی نمودار متوجه می‌شویم که:

$$Q_1 = m + 2$$

$$Q_3 = 7m + 13 - 11 = 7m + 2$$

$$R = 3IQR \Rightarrow 7m + 13 - m = 3(7m + 2 - (m + 2))$$

$$6m + 13 = 3(7m + 2 - m - 2)$$

$$6m + 13 = 3(6m)$$

$$6m + 13 = 18m \Rightarrow 13 = 12m$$

$$m = \frac{13}{12}$$

(ریاضی و آمار (۱)، نمایش داده‌ها، صفحه‌های ۱۰۶ تا ۱۰۹)

ریاضی و آمار (۳)

گزینه ۲۱

(علی حسینی نوه)

برای محاسبه احتمال ابتدا باید تعداد فضای نمونه و تعداد حالات مطلوب را محاسبه کنیم: (دقت کنید که تکرار ارقام مجاز است).

تمام اعداد دورقمی قابل ساخت: تعداد فضای نمونه

$$5 \times 6 = 30$$

برای اینکه عددی مضرب ۶ باشد، باید مضرب ۲ و مضرب ۳ باشد.

تعداد حالات مطلوب یعنی عدد زوج و جمع ارقام آن بر ۳ بخش پذیر باشد.

$$\left\{ \begin{array}{l} \frac{2}{3} \times \frac{1}{6} = \frac{1}{9} \\ \frac{2}{4} \times \frac{1}{2} = \frac{1}{4} \end{array} \right\}, \left\{ \begin{array}{l} \frac{1}{2} \times \frac{1}{6} = \frac{1}{12} \\ \frac{2}{3} \times \frac{1}{6} = \frac{1}{9} \end{array} \right\} \Rightarrow 2 + 2 + 2 + 1 = 7$$

$$\frac{\text{تعداد حالات مطلوب}}{\text{تعداد فضای نمونه}} = \frac{7}{30} = \text{محاسبه احتمال}$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱۴ تا ۲۱)

گزینه ۲۲

(امیر زرانروز)

$$n(S) = 8 \times 4 = 32$$

از پیشامد متمم استفاده می‌کنیم، یعنی فرض می‌کنیم هیچ کدام از دو عقربه روی اعداد مربع قرار نگیرند؛ در عقربه A شش عدد غیرمربع کامل و در عقربه B یک عدد غیرمربع کامل داریم:

$$n(A) = 6 \times 1 = 6$$

$$\Rightarrow P(A) = \frac{n(A)}{n(S)} = \frac{6}{32} = \frac{3}{16}$$

$$\Rightarrow P(A') = 1 - P(A) = 1 - \frac{3}{16} = \frac{13}{16}$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱۴ تا ۱۷)

گزینه ۲۳

(مهمرب بفرایی)

تعداد اعضای فضای نمونه برابر است با:

$$n(S) = 8!$$

تعداد اعضای پیشامد آن که دو برادر در ابتدا و انتهای ردیف قرار بگیرند:

$$n(A) = 6! \times 2!$$

$$P(A) = \frac{6! \times 2!}{8!} = \frac{2}{8 \times 7} = \frac{1}{28}$$

احتمال آن که پیشامد A اتفاق نیفتد، برابر است با:

$$\Rightarrow P(A') = 1 - P(A) = 1 - \frac{1}{28} = \frac{27}{28}$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱۴ تا ۲۷)

گزینه ۱۸

(امیر مهمربیان)

$$\frac{18}{150} \times 100: \text{درصد دانش‌آموزانی که در مدرسه A دوز دوم واکسن را زده‌اند.}$$

%

درصد دانش‌آموزان مدرسه B که دوز دوم واکسن را زده‌اند:

$$\left(\frac{fa}{a\sqrt{3}}\right)^2 = \frac{x}{12} \Rightarrow x = 12 \times \frac{16}{3} = 64\%$$

تعداد دانش‌آموزان مدرسه B که دوز دوم واکسن را زده‌اند.

$$\frac{64}{100} \times 175 = 112$$

تعداد دانش‌آموزان مدرسه C که دوز دوم واکسن را زده‌اند:

$$112 - 22 = 90$$

درصد دانش‌آموزان مدرسه C که دوز دوم واکسن را زده‌اند:

$$\left(\frac{3a}{\sqrt{3}a}\right)^2 = \frac{y}{12} \Rightarrow y = 12 \times \frac{9}{3} = 36\%$$

تعداد دانش‌آموزان مدرسه C:

$$\frac{36}{100} \times (C \text{ جمعیت}) = 90 \Rightarrow C \text{ جمعیت} = 250 \text{ نفر}$$

$$\frac{1}{5} \times 175 = 35 \text{ از آنجا که } B \text{ معدل بالای } 19 \text{ کسب کرده‌اند و}$$

$$x = 35 \text{ و } x - 11 = 24 \text{ پس } 24 \text{ نفر از مدرسه C معدل بالای } 19$$

$$\text{کسب کرده‌اند که برابر با } \frac{24}{250} \times 100 = 9.6\% \text{ است.}$$

(ریاضی و آمار (۱)، نمایش داده‌ها، صفحه‌های ۱۱۰ تا ۱۱۲)

گزینه ۱۹

(کتاب آبی پیمانه‌ای - کنکور سراسری - آزمون مهر)

تعداد فروش B و C را به ترتیب b و c می‌نامیم. میانگین داده‌ها را

$$\bar{x} = \frac{4 + b + c + 7}{4}$$

حساب می‌کنیم.

$$\Rightarrow 5 = \frac{11 + b + c}{4} \Rightarrow 11 + b + c = 20 \Rightarrow b + c = 9 \quad (1)$$

از طرفی طبق نمودار $7 < c$ است، پس:

$$7 < c \xrightarrow{+b} 7 + b < c + b \xrightarrow{(1)} 7 + b < 9 - 7 \Rightarrow b < 2$$

چون b عدد طبیعی و کوچکتر از ۲ است، پس فقط می‌تواند یک باشد،

$$\frac{(1)}{b=1} \Rightarrow 1 + c = 9 \Rightarrow c = 8$$

بنابراین:

(ریاضی و آمار (۱)، نمایش داده‌ها، صفحه ۱۰۴)

گزینه ۲۰

(کتاب آبی پیمانه‌ای)

با توجه به اینکه نمره زبان دانش‌آموز A بهتر از سایر دروس است، رشته زبان برای او مناسب‌تر است.

از طرفی طبق نمودار، نمره دروس ریاضی و فیزیک دانش‌آموز B از سایر

دروس او بهتر است، پس بهتر است این دانش‌آموز در کنکور رشته ریاضی

فیزیک شرکت کند.

(ریاضی و آمار (۱)، نمایش داده‌ها، صفحه‌های ۱۱۴ تا ۱۱۶)

۲۴- گزینه «۲»

(پیمان طیار)

برای دو پیشامد متمم A و A' داریم:

$$P(A') = 1 - P(A)$$

با توجه به فضای نمونه که مشخص شده داریم:

$$S = \{10, 11, 12, 13, \dots, 89\} \Rightarrow n(S) = 89 - 10 + 1 = 80$$

$$A = \{10, 20, 30, \dots, 80\} \Rightarrow n(A) = 8$$

$$P(A) = \frac{n(A)}{n(S)} = \frac{8}{80} = \frac{1}{10}$$

$$P(A') = 1 - \frac{1}{10} = \frac{9}{10} = 0.9$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۲۱ تا ۲۷)

۲۵- گزینه «۱»

(علی حسینی نوه)

می‌دانیم تعداد کل مهره‌ها ۹ عدد است، که ما به تصادف ۴ مهره خارج کردیم پس تعداد اعضای فضای نمونه برابر است با:

$$\binom{9}{4} = \frac{9!}{(9-4)!4!} = \frac{9 \times 8 \times 7 \times 6}{4 \times 3 \times 2 \times 1} = 126$$

حالات مطلوب برابر است با:

$$\binom{2}{1} \times \binom{3}{1} \times \binom{4}{2} = 2 \times 3 \times 6 = 36$$

$$\binom{2}{1} \times \binom{3}{2} \times \binom{4}{1} = 2 \times 3 \times 4 = 24$$

$$\binom{2}{2} \times \binom{3}{1} \times \binom{4}{1} = 1 \times 3 \times 4 = 12$$

$$\Rightarrow n(A) = 36 + 24 + 12 = 72$$

$$P(A) = \frac{72}{126} = \frac{4}{7}$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱۶ تا ۲۷)

۲۶- گزینه «۳»

(میثم فشنوری)

احتمال باریدن باران را با $P(A)$ و نباریدن باران را با $P(A')$ در نظر می‌گیریم:

$$P(A') = 1 - P(A) \Rightarrow P(A') = 1 - 0.7 = 0.3$$

$$1 - P(A) = 2P(A) + 0.1 \Rightarrow 3P(A) = 0.9$$

$$\Rightarrow P(A) = 0.3$$

$$\Rightarrow P(A') = 0.7 \Rightarrow \text{نسبت خواسته} = \frac{0.3}{0.7} = \frac{3}{7}$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۲۱ تا ۲۷)

۲۷- گزینه «۳»

(شمیم پهلوان شریف)

الف) نادرست؛ در توصیف داده‌های کیفی (ترتیبی یا اسمی) گزارش درصد باید همیشه با گزارش تعداد همراه باشد نه داده‌های کمی.

ب) نادرست؛ در گام ۲ (اندازه‌گیری) اطلاعات کیفی (توصیفی) را به کمی تبدیل می‌کنیم.

پ) درست؛ چون از دو واحد اندازه‌گیری استفاده شده است شیوه اندازه‌گیری (گام ۲) اشتباه بوده است.

ت) درست

پس دو مورد از عبارت‌ها نادرست هستند.

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۲۸ تا ۳۷)

۲۸- گزینه «۱»

(کتاب آبی پیمان‌های)

مشخص می‌کنیم که هر مورد مربوط به کدام مرحله از چرخه آمار است:

الف) تبدیل اطلاعات توصیفی به اطلاعات کمی تا حد ممکن مربوط به گام «طرح و برنامه‌ریزی» است.

ب) در مرحله «تحلیل داده‌ها»، معیارهای گرایش به مرکز و معیارهای پراکندگی مناسب را ارائه می‌دهیم، پس استفاده از میانه و دامنه میان‌چارکی مربوط به مرحله «تحلیل داده‌ها» است.

پ) در گام اول یا «بیان مسئله» با توجه به اهداف، بودجه، زمان و دیگر شرایط موجود، جامعه آماری را محدود و هدف مطالعه را مشخص می‌کنیم. بنابراین محدود کردن جامعه مربوط به مرحله بیان مسئله است.

ت) برای توصیف داده‌های کیفی (اسمی یا ترتیبی) گزارش درصد باید همیشه با گزارش تعداد باشد تا نتایج به درستی منعکس شود. این کار در زمان ارائه معیارها، نمودارها و دیگر نتایج آماری یعنی مرحله تحلیل داده‌ها انجام می‌شود.

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۳۱ تا ۳۷)

۲۹- گزینه «۲»

(کتاب آبی پیمان‌های)

در داده‌های گروه A، داده ۳۱ با بقیه داده‌ها اختلاف زیاد دارد، پس داده دورافتاده است. در نتیجه برای داده‌های گروه A معیار پراکندگی مناسب دامنه میان‌چارکی است، زیرا کمتر تحت تأثیر داده دورافتاده قرار می‌گیرد. داده‌های گروه B داده دور افتاده ندارند، پس معیار گرایش به مرکز مناسب برای آن‌ها میانگین است.

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه ۳۴)

۳۰- گزینه «۳»

(امیر زرانروز)

از نمودار متن سؤال متوجه می‌شویم که:

$$\bar{x} = 30, \sigma = 32 - 30 = 2$$

$$\sigma^2 = \frac{\text{مجموع مربعات اختلاف داده‌ها از میانگین}}{\text{تعداد کل داده‌ها}} \Rightarrow \sigma^2 = \frac{x}{20}$$

$$\Rightarrow x = 4 \times 20 = 80$$

توجه کنید که در فرمول

$$\sigma^2 = \frac{(x_1 - \bar{x})^2 + (x_2 - \bar{x})^2 + \dots + (x_n - \bar{x})^2}{n}$$

صورت کسر، مجموع مربعات اختلاف داده‌ها از میانگین گفته می‌شود.

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۳۴ و ۳۵)

علوم و فنون ادبی (۲)

۳۱- گزینه «۲»

(مبیتی فرهادی)

محبوب‌القلوب و عباس‌نامه: مصنوع
احسن‌التواریخ و حبیب‌السیر: بینابین
جامع عباسی: ساده

(علوم و فنون ادبی (۲)، تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی، صفحه‌های ۸۳ و ۸۴)

۳۲- گزینه «۲»

(مبیتی فرهادی)

بیت دارای آرایه ادبی «حسن تعلیل» است که از آرایه‌های رایج سبک هندی است. دلیل اینکه صبح، خورشید را همانند سپری همراه خود دارد آمادگی برای مقابله با فتنه ایام دانسته شده است.

توجه: دقت کنید که به‌کاربردن واژه «هندو» در بیت گزینه «۱» دلیل بر انتساب آن به سبک هندی نیست. این بیت با توجه به ویژگی‌های زبانی و ادبی و فکری مطابق با سبک عراقی است.

(علوم و فنون ادبی (۲)، سبک‌شناسی، صفحه ۸۲)

۳۳- گزینه «۱»

(سیرعلیرضا احمدری)

تشبیه بلیغ: «ساغر شوق»
موازنه: کلمات مصراع‌ها به‌ترتیب با هم، هم‌وزن هستند.
واژه‌رایی: تکرار «تو»

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان و بریع)

۳۴- گزینه «۳»

(سیرعلیرضا احمدری)

بیت فاقد کنایه است.
مجاز به علاقه شباهت: «نگار» استعاره مصرحه از یار است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: مجاز: زبان مجاز از سخن / تشبیه: تو مانند حلوا هستی.

گزینه «۲»: تشخیص: «روی ماه» / سجع: کلمات مسجع در پایان نیم‌مصراع اول و دوم: «خنجر» و «لشکر»

گزینه «۴»: جناس: «حور» و «نور» / مجاز: «چشم» مجاز از نگاه
(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان و بریع)

۳۵- گزینه «۴»

(سیرعلیرضا احمدری)

سایر گزینه‌ها در وزن «مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن» سروده شده‌اند.

(علوم و فنون ادبی (۲)، موسیقی شعر)

۳۶- گزینه «۴»

(سیرعلیرضا احمدری)

وزن بیت گزینه «۴»، «مستعلن مستعلن مستعلن مستعلن» و همسان تک‌پایه‌ای است.

وزن سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: مفتعلن فاعلاتن / مفتعلن فاعلاتن (مستعلن فاعلن / مستعلن فاعلن)

گزینه «۲»: مفتعلن فاعلین / مفتعلن فاعلین (مستعلن فاعلن / مستعلن فاعلن)

گزینه «۳»: مفتعلن فاعلن / مفتعلن فاعلن

(علوم و فنون ادبی (۲)، موسیقی شعر)

۳۷- گزینه «۳»

(سیرعلیرضا احمدری)

وزن بیت گزینه «۳»، «مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن» بوده که از اوزان ناهمسان است.

وزن سایر ابیات:

گزینه «۱»: مفتعلن فاعلن / مفتعلن فاعلن

گزینه «۲»: مفتعلن فاعلاتن / مفتعلن فاعلاتن

گزینه «۴»: مفتعلن فاعلین / مفتعلن فاعلین

(علوم و فنون ادبی (۲)، موسیقی شعر)

۳۸- گزینه «۳»

(سیرعلیرضا احمدری)

واژه «قاتل» در «برخیزد و گرد سر قاتل گردد» معنای «کسی که کشنده است» می‌دهد و صفت‌جانشین اسم است؛ این درحالی است که در تحلیل متنی از کلیله و دمنه، «قاتل» صفتی برای غیرانسان عنوان شده بود.

توضیح نکته درس:

از کنکور ۱۴۰۱ به بعد، نوعی از سؤالات حفظی و غیرتحلیلی از درس ۱ فنون ۱ (شعر عطار و متنی از کلیله) باب شد که پاسخ‌گویی به آن‌ها صرفاً در گرو حفظ کردن بند به بند صفحات ۱۴ تا ۱۸ است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: در مصراع نخست واژه «عشق» تکرار شده است ولی واژه «تپان‌تپان» یک لغت محسوب می‌شود و فاقد تکرار است.

گزینه «۲»: «رخ آغشته به خون» کنایه از جان‌سپردن است.

گزینه «۴»: کاربرد «را» در این شعر مفعولی نیست و بنابر دستور جدید، باید به شکل «برای» معنا شود: برای آن کسی که حدیث عشق در دل گردد، بایسته است که ز تیغ عشق بسمل گردد (بسمل‌گشتن: قربانی‌شدن)

(علوم و فنون ادبی (۲)، ترکیبی)

۳۹- گزینه «۳»

(مبین مممری تراکمه)

ابیات گزینه‌های «۱»، «۲» و «۴» مفهوم «زلی‌بودن عشق» را می‌رساند، اما بیت گزینه «۳» اشاره به جاودانگی و ابدی‌بودن عشق دارد.

(علوم و فنون ادبی (۲)، مفهوم، صفحه‌های ۸۶ و ۱۰۲)

۴۰- گزینه «۱»

(سیرعلیرضا احمدری)

«ناپایداری حکومت و فرمانروایی» موضوع اصلی بیت صورت سؤال و بیت گزینه «۱» است.

مفهوم سایر ابیات:

گزینه «۲»: برتری مقام درویشی از پادشاهی

گزینه «۳»: توانایی ناتوانان برای رسیدن به برتری و پادشاهی در صورتی که همت یارشان باشد.

گزینه «۴»: توصیه به تواضع و کمر خم کردن در برابر پادشاهان

(علوم و فنون ادبی (۲)، مفهوم، صفحه ۹۰)

علوم و فنون ادبی (۱)

۴۱- گزینه «۲»

(مفسن اصغری)

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: به‌کارگیری ردیف‌های فعلی و اسمی دشوار در شعر ویژگی ادبی شعر این دوره است.

گزینه «۳»: آوردن مترادف‌ها و توصیف‌های فراوان: ویژگی نثر این دوره. رواج داستان‌سرایی و منظومه‌های داستانی: ویژگی ادبی شعر این دوره

گزینه «۴»: فاصله‌گرفتن غزل از عشق زمینی ویژگی فکری و ورود لغات زبان ترکی و مغولی ویژگی زبانی شعر این دوره است. ترتیب ویژگی‌های صورت سؤال رعایت نشده است.

(علوم و فنون ادبی (۱)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۸۳ و ۸۵)

۴۲- گزینه «۲»

(سعید پعفری)

عبارت‌های «ب» و «پ» نمونه‌های نشر فنی هستند که اصطلاحات عربی فراوان در آنها و زبان دشوارترشان نسبت به نثر موزون مشخصه آنهاست.

تشریح عبارت‌های دیگر:

(الف) موزون: پایه‌های سجع: اجنبی، خالی [آدید].

(ت) موزون: پایه‌های سجع: گراییدن، آوردن

(علوم و فنون ادبی (۱)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۹۹، ۱۰۱ و ۱۰۲)



۴۳- گزینه ۲»

(سیرعلیرضا اهمری)

جناس تام: «شام» (شب) و «شام» (شهر شام) / جناس ناقص: «قافله» و «نافله» و هم‌چنین «هر» و «در»

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: فاقد جناس ناقص و دارای جناس تام در «چنگ» به معنای ساز و «چنگ» به معنای دست

گزینه ۳: فاقد جناس تام و دارای جناس ناقص در «بیشه» و «ریشه»

گزینه ۴: فاقد جناس ناقص و دارای جناس تام در «تنگ» به معنای باریک و کوچک و «تنگ» به معنای بار

(علوم و فنون ادبی (۱)، بریع)

۴۴- گزینه ۴»

(سیرعلیرضا اهمری)

«غبار» تکرار ندارد و معنای استعاره «غبار» با معنای حقیقی آن، جناس تام ساخته است. «غبار» اول به معنای گرد و «غبار» دوم به معنای غم و اندوه است. (علوم و فنون ادبی (۱)، بریع)

۴۵- گزینه ۲»

(سیرعلیرضا اهمری)

بیت گزینه ۲ دارای جناس ناهمسان حرکتی (بستان: باغ و بستان: بگیر) است. بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: شانه: ۱. آلتی برای شانه کردن مو ۲. کتف و دوش

گزینه ۳: سیم: ۱. نقره ۲. استعاره از بینی

گزینه ۴: خویش‌های قافیه: ۱. فامیل و آشنا ۲. خود

(علوم و فنون ادبی (۱)، بریع)

۴۶- گزینه ۴»

(سیرعلیرضا اهمری)

قافیه در همه ابیات از الگوی «مصوت + صامت» تبعیت می‌کند، به جز بیت گزینه ۴ که حروف اصلی «یم» است و الگوی آن «مصوت + صامت + صامت» است.

(علوم و فنون ادبی (۱)، قافیه)

۴۷- گزینه ۳»

(سیرعلیرضا اهمری)

در بیت گزینه ۳، «خود» باید «خَد» خوانده شود؛ این واژه با «صمد» قافیه است. **تشریح سایر گزینه‌ها:**

گزینه ۱: الف در «خسروا» و «مها» هر دو پسوند ندا است و حرف الحاقی محسوب می‌شود.

گزینه ۲: «جستن» و «رفتن» قافیه نمی‌شوند، زیرا چنین ساختاری نداریم و جستن ابتدای مصراع آمده و صحیح نیست.

گزینه ۴: «سر» و «حجر» در یک نیم‌مصراع یا جمله‌اند و قافیه نمی‌شوند.

(علوم و فنون ادبی (۱)، قافیه)

۴۸- گزینه ۳»

(سیرعلیرضا اهمری)

الف دارای تبصره قافیه (حروف الحاقی) است. صامت «ی» در پایان واژگان مختوم به مصوت بلند «آ» و «او» اگر تفاوتی در معنا ایجاد نکند، الحاقی است. ب «بُرد» و «فُشرد» کلمات قافیه و «رُد» نیز حروف اصلی قافیه است.

ج «وفات» اول یعنی وفای تو و «وفات» دوم یعنی مرگ، در نتیجه نمی‌توانیم بگویم حرف «ت» الحاقی است چرا که در «وفات» دومی «ت» جزء خود واژه است.

د واژه «درو» و واژه «پرتو» بنابر قاعده ۲ و با حروف اصلی «و» و «و» که صدای OW می‌دهد و شامل مصوت کوتاه «و» و صامت «و» است، قافیه این بیت را تشکیل داده‌اند.

ه واژه «است» در مصراع نخست نمی‌تواند با «چست» هم‌قافیه شود، همین‌طور اگر بخوایم واژه «چست» را بشکافیم (چه + است) آن گاه «است» ردیف خواهد بود و باید «مغربی» و «چی» هم‌قافیه می‌شدند. این در حالی است که مصوت بلند «ی» نمی‌تواند اساس قافیه باشد.

(علوم و فنون ادبی (۱)، قافیه)

۴۹- گزینه ۳»

(سیرعلیرضا اهمری)

«مهر تو بر لب‌ها» در بیت سوم اشاره به سکوت و دم فرو بستن دارد.

تشریح دیگر گزینه‌ها:

گزینه ۱: خجستگی با وجود یار

گزینه ۲: دل‌کنند از جهان مادی

گزینه ۴: تحمل جفای معشوق

(علوم و فنون ادبی (۱)، مفهومی، صفحه‌های ۹۹، ۱۰۱ و ۱۰۲)

۵۰- گزینه ۱»

(حسن اصحابی)

در عبارت صورت سؤال ابوسعید ابوالخیر، بودن در میان مردم و هم‌زمان اشتغال داشتن به عشق الهی را توصیه می‌کند، نه گوشه‌گیری و بریدن از اجتماع را، اما سعدی در گزینه ۱ توصیه‌ای خلاف این دارد و می‌گوید رسیدن به شکوه حاصل گوشه‌گیری و دوری از مردم است، مانند کوه که از جهان کناره گرفته است و سرش در آسمان‌هاست.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه ۲: همه احساسات و اندیشه‌ها فانی است جز عشق که ابدی است.

گزینه ۳: به توصیف جایگاه ویژه معشوق در دل عاشق پرداخته است.

گزینه ۴: توصیف شدت عشق که عامل بی‌خوابی عاشق است.

(علوم و فنون ادبی (۱)، مفهومی، صفحه‌های ۱۰۳ و ۱۰۴)

علوم و فنون ادبی (۳)

۵۱- گزینه ۱»

(سیرعلیرضا اهمری)

بیت نخست، مکالمه‌ای است بین شیرین و خسرو که از منظومه «خسرو و شیرین» نظامی‌گزی‌ش شده است. در این بیت تلمیحی دیده نمی‌شود؛ چراکه در تلمیح اشاره غیرمستقیمی به یک روایت می‌شود، ولی در این بیت روایت جریان دارد و اشاره مستقیم به داستان خسرو، شیرین، فرهاد و ... دارد.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۲: اشاره غیرمستقیم به معجزه حضرت عیسی که با نفس خود مردگان را زنده می‌کرد.

گزینه ۳: نیم‌نگاهی به حکایت خضر، اسکندر و آب حیات

گزینه ۴: تلمیح به ماجرای مشهور یوسف نبی، پدرش، یعقوب و زلیخا

(علوم و فنون ادبی (۳)، بریع)

۵۲- گزینه ۳»

(سیرعلیرضا اهمری)

بیت گزینه ۳ دو زبانه (مُلَمَّع) است و حافظ در آن، از یک مصراع فارسی و یک مصراع عربی استفاده کرده است. هم‌چنین در مصراع دوم شاعر با بیانی که در آن تشبیه هم به چشم می‌خورد، دهر یا روزگار را در هجران یارش مانند قیامت می‌بیند.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: بیت فاقد تشبیه است و مصراع دوم از حافظ تضمین شده است. گزینه ۲: بیت فاقد تشبیه است و به طور واضح مصراع دوم از بیدل دهلوی تضمین شده است.

گزینه ۴: بیت فاقد تشبیه است و در مصراع دوم قسمتی از کلام خداوند در قرآن آمده است.

(علوم و فنون ادبی (۱) و (۳)، بیان و بریع)

۵۳- گزینه ۳»

(سیرعلیرضا اهمری)

الف بیت فاقد تلمیح است. / تشبیه: خم‌خانه عشق (خم‌خانه: می‌کده)

ب تشبیه: شاید تشبیه دانستن رابطه بین واژه «رخ» و «نور» سخت‌گیرانه باشد، ولی واضحاً بین «زلف» و «شب» رابطه شباهت مشهود است. این تشبیه، از نوع مضمّر یا پنهان است و اغلب بین یک پدیده مربوط به معشوق و یک پدیده طبیعی اتفاق می‌افتد؛ مثل قد و سرو یا چشم و نرگس و یا ماه و چهره / تلمیح: یادآور دیدار خداوند و حضرت موسی در کوه طور



ج) بیت فاقد تشبیه است. / تلمیح: اشاره به «آلست بر یکم...»
د) تشبیه مضمّن: ادعای همانندی لب‌های یار و چشمه حیات (معنای بیت: اگر خضر لب‌های تو را می‌دید، می‌گفت که این لب، لب چشمه حیات است. در ادبیات ما، «لب» پدیده‌ای جان‌بخش و مروح است و از این‌رو، آن را به آب و چشمه مانند می‌کنند. / تلمیح: یادآور حکایت حضرت خضر و آب حیات (ه) تشبیهات: «زلیخای صبا» و «یوسف گل» (سعدی به زیبایی، باد صبا را به زلیخایی تشبیه کرده که پیراهن گل را پاره می‌کند. / تلمیح: اشاره غیر مستقیم به داستان مشهور یوسف و زلیخا

(علوم و فنون ادبی (۳)، بیان و بریع)

۵۴- گزینه ۲

(سیدعلیرشا احمري)

تلمیح در بیت «الف»: اشاره غیرمستقیم به ماجرای وسوسه‌شدن آدم و خوردن گندم ممنوعه‌ای که منجر به اخراجش از بهشت شد، دارد.
تلمیح در بیت «ه»: یادآور مکالمه حضرت موسی و خداوند که حضرت موسی گفت خودت را به من نشان بده (ارنی) و خداوند گفت هرگز مرا نخواهی دید (لن‌ترانی).

سایر ابیات فاقد آرایه تلمیح‌اند.

(علوم و فنون ادبی (۳)، بریع)

۵۵- گزینه ۱

(سیدعلیرشا احمري)

بیت گزینه ۱، از مثنوی خسرو و شیرین‌گزینه‌ش شده‌است و همانطور که مشخص است مستقیماً در حال روایت داستان خسرو و شیرین است، پس نمی‌تواند تلمیح باشد. دقت داشته باشید که تلمیح اشاره غیرمستقیم به یک روایت است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۲: اشاره غیرمستقیم به ماجرای حضرت خضر و آب حیات و اسکندر دارد.

گزینه ۳: اشاره غیرمستقیم دارد به ماجرای حضرت عیسی و سوزنی که به همراه داشت و به همین خاطر خداوند اجازه عروج بیش از طبقه چهارم آسمان را به او نداد (سوزن در این‌جا نماد تعلقات دنیا است).

گزینه ۴: اشاره غیرمستقیم به ماجرای حضرت سلیمان، ملکه سبا و انگشتری است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، بریع)

۵۶- گزینه ۲

(سیدعلیرشا احمري)

معنای بیت: ای شهریار، شعر تو نیز مانند شعر خواجه (حافظ) پطراروت است، چراکه شعرت از آب چشمت روح می‌گیرد. می‌بینیم که شهریار در این بیت صرفاً ادعای همانندی شعر خود با شعر حافظ را دارد.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: شاعر با عبارت «سعدی گفت» در پایان مصراع نخست، به ما نشان داده است که مصراع دوم را از سعدی تضمین کرده است. (به نشانه‌هایی که خود شاعر می‌آورد دقت کنید).

گزینه ۳: عبارت قرآنی در مصراع دوم واضحاً واجد آرایه تضمین است.

گزینه ۴: «بلبل شیراز» نمی‌تواند نام یک بلبل باشد! اینکه شاعر (شهریار) می‌گوید «نغمه بلبل شیراز نرفته است ز یاد» برای ذهن ما قرینه‌ای شکل می‌دهد که منظور از «بلبل شیراز» یک شاعر شیرازی است، بنابراین حتی اگر ندانیم که مصراع دوم از غزل مشهور سعدی شیرازی تضمین شده است، با وجود قرینه مصراع اول، تضمین این بیت را در خواهیم یافت.

(علوم و فنون ادبی (۳)، بریع)

۵۷- گزینه ۲

(مجتبی فرهادی)

ب: تلمیح: اشاره به داستان حضرت خضر (ع) که آب حیات نوشید و عمر جاودان یافت / استعاره: بیت فاقد استعاره است.

ج: اشاره به داستان حضرت خضر (ع) که اسکندر به طلب آب حیات رفت و نیافت و خضر از آن نوشید و عمر جاودان یافت. / استعاره: بیت فاقد استعاره است.

تشریح سایر ابیات:

الف: تلمیح: اشاره به داستان حضرت خضر (ع) که آب حیات نوشید و عمر جاودان یافت. / استعاره: «لعل» استعاره از «لب»

د: تلمیح: اشاره به داستان حضرت خضر (ع) که آب حیات نوشید و عمر جاودان یافت. / استعاره: «خورشید» استعاره از «چهره معشوق» - «چشمه نوش» استعاره از «لب و دهان»

ه: تلمیح: اشاره به داستان حضرت خضر (ع) که آب حیات نوشید و عمر جاودان یافت. / استعاره: «سرو روان» استعاره از «معشوق»

(علوم و فنون ادبی (۳)، بیان و بریع)

۵۸- گزینه ۴

(کتاب آبی پیمانه‌ای - کنگور سراسری ۱۴۰۰)

وزن مصراع صورت سؤال و مصراع این گزینه، هر دو «مفعول فاعلاتن مفاعیل فاعلن» است.

وزن سایر مصراع‌ها:

گزینه ۱: «مفعول فاعلن / مفتعلن فاعلن»

گزینه ۲: «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فعلن»

گزینه ۳: «مفاعلن فاعلاتن مفاعلن فعلن»

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر)

۵۹- گزینه ۳

(کتاب آبی پیمانه‌ای - قارچ از کشور ۱۴۰۰)

ابیات گزینه‌های ۱، ۲ و ۴ در پی بیان این نکته‌اند که عبادت، تضرع و گریه و زاری نیمه‌شب و سحرگاه به درگاه خداوند، تأثیر خود را می‌گذارد و برای انسان قبول درگاه الهی، دفع بلا و ارزشمندی را به همراه دارد.

در بیت گزینه ۳، حافظ شوق لب معشوق را دلیل از یادبردن ورد سحرگاه (عبادت سحرگاهی) و درس شبانه می‌داند.

(علوم و فنون ادبی (۳)، مفهوم، صفحه ۳۸)

۶۰- گزینه ۱

(کتاب آبی پیمانه‌ای - قارچ از کشور ۱۴۰۲)

بیت صورت سؤال در توصیف طلوع آفتاب سروده شده است. شاعر خورشید را به محبوبه‌ای تشبیه کرده است که در کجاوه‌ای نشسته است و گره از زلف طلایی‌رنگش می‌گشاید.

در بیت گزینه ۱ «غروب آفتاب توصیف شده است. شاعر می‌گوید دیشب هنگامی که سلطان چرخ (خورشید) به سمت مغرب رفت، شهاب‌ها مانند نیزه‌هایی آسمان را پر کردند.

بررسی گزینه‌های دیگر:

گزینه ۲: منظور از «یک گل زرد» در این بیت خورشید است که با غروب ستارگان (هزاران نرگس) طلوع می‌کند.

گزینه ۳: هنگامی که گیتی‌فروز (خورشید) از پشت کوه سر زد، روز زلف‌های شب را گرفت و پیچید (شب تمام شد و روز آغاز شد).

گزینه ۴: آن ترک پری‌چهره (معشوق) هر روز صبح از شبستان طلوع می‌کند، مانند خورشید که هر صبح چون چشمه‌ای درخشان رخ می‌نماید.

(علوم و فنون ادبی (۳)، مفهوم، صفحه ۳۷)



جامعه‌شناسی (۲)

۶۱- گزینه «۳»

(سینا غلامی)

در جهان دو قطبی قرن بیستم، هویت جنبش‌ها، انقلاب‌ها و کشورها براساس جایگاه و اهمیتشان برای یکی از دو قطب جهان (بلوک شرق یا غرب) شناسایی می‌شد. بر این اساس انقلاب اسلامی ایران از آن جهت که یک نظام سیاسی وابسته به بلوک غرب (پهلوی) را هدف قرار داده بود، اهمیت می‌یافت اما چون به بلوک شرق وابسته نبود، از اهمیت آن کاسته می‌شد.

(جامعه‌شناسی (۲)، پیداری اسلامی و جهان پریر، صفحه‌های ۱۲۵، ۱۲۶ و ۱۲۹)

۶۲- گزینه «۳»

(ریحانه امینی)

تشریح موارد:

- نسبت به کشورهای استعمارگر احساس خطر نمی‌کردند: منورالفرکان غرب‌گرا - خواستار اصلاح رفتار دولت‌ها در کشورهای اسلامی بودند: نخستین بیدارگران اسلامی، منورالفرکان غرب‌گرا

- بیداری را بازگشت به اسلام و عمل به آن می‌دانستند: نخستین بیدارگران اسلامی - به مفهوم ناسیونالیسم روی آورده بودند: منورالفرکان غرب‌گرا

(جامعه‌شناسی (۲)، پیداری اسلامی و جهان پریر، صفحه‌های ۱۰۹ تا ۱۱۱)

۶۳- گزینه «۳»

(سید آرش مرتضایی‌فر)

- انقلاب اسلامی ایران، انقلاب‌ها و جنبش‌های آزادی‌بخش قرن بیستم، همگی جهت‌گیری ضداستعماری داشتند و در جهت از بین بردن سلطه سیاسی کشورهای غربی عمل می‌کردند.

- نخبگان غرب‌گرایی که به عملکرد نسل اول روشنفکران معترض بودند، نسل دوم روشنفکران را شکل دادند. این گروه تحت تأثیر جریان‌های چپ در کشورهای اروپایی بودند. این نسل با عنوان روشنفکران چپ شناخته می‌شود. حرکت‌های اجتماعی روشنفکران چپ در چارچوب اندیشه‌های ناسیونالیستی، سوسیالیستی و مارکسیستی بود. برخی از آنان، آشکارا اندیشه‌های غیرتوحیدی را مطرح می‌کردند و برخی دیگر از رویارویی مستقیم با باورهای دینی مردم خودداری می‌کردند؛ حتی گاهی اندیشه‌های خود را در پوشش دینی بیان می‌داشتند. به این ترتیب، روشنفکری التقاطی چپ در کشورهای اسلامی پدید آمد. حرکت‌های اعتراض‌آمیز روشنفکران چپ کشورهای مسلمان، اغلب مورد حمایت بلوک شرق قرار می‌گرفت.

تا پیش از فروپاشی بلوک شرق، روشنفکران چپ در کشورهای اسلامی جاذبه داشتند و جریان چپ حتی در کشورهایی که زیر نفوذ بلوک غرب قرار داشتند، یک جریان اجتماعی تأثیرگذار بود. با فروپاشی بلوک شرق، جاذبه‌های روشنفکری چپ در سطح جهان از بین رفت و این جریان در کشورهای اسلامی نیز جاذبه خود را از دست داد و غرب‌گرایان این جوامع، دیگر بار به اندیشه‌های لیبرالیستی غربی روی آوردند.

- یکی از فعالیت‌هایی که دنیای غرب برای مقابله با حرکت مستقل جهان اسلام انجام می‌دهد ارائه تصویری خشن و غیرعقلانی از فرهنگ اسلامی از طریق سازماندهی و شکل‌دهی به جریان‌های تروریستی وهابی است.

(جامعه‌شناسی (۲)، پیداری اسلامی و جهان پریر، صفحه‌های ۱۱۱ تا ۱۱۲، ۱۱۳ و ۱۱۳۵)

۶۴- گزینه «۳»

(مهم‌مهری یعقوبی)

- غرب متجدد زمانی با جهان اسلام روبه‌رو شد که قدرت‌های سیاسی جهان اسلام، با وجود رعایت ظواهر اسلامی، استبدادهای قومی و قبیله‌ای بودند و عالمان دینی اغلب براساس ضرورت حفظ امنیت با آنها تعامل می‌کردند.

۶۵- گزینه «۲»

(کتاب آبی پیمانه‌ای - کنکور سراسری ۹۶)

اعتراض روشنفکران چپ به نسل اول، از جهت گریز آنان از بنیان‌های فکری اسلامی یا اسلام‌ستیزی آنان نیست؛ بلکه از نوع اعتراضاتی است که طی قرن بیستم در کشورهای غربی نسبت به عملکرد اقتصادی نظام‌های لیبرالیستی و سرمایه‌داری شکل گرفت.

(جامعه‌شناسی (۲)، پیداری اسلامی و جهان پریر، صفحه ۱۱۲)

جامعه‌شناسی (۱)

۶۶- گزینه «۲»

(سینا غلامی)

افرادی که برای مدت زیادی با هم زندگی کرده‌اند سرگذشت و سرنوشت مشترکی پیدا می‌کنند که به صورت خاطره جمعی و مشترک در می‌آید و این خاطره در گذر زمان، متراکم و مستحکم می‌شود و بعد تاریخی هویت جامعه را می‌سازد.

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۱۱۱ و ۱۱۳)

۶۷- گزینه «۲»

(ریحانه امینی)

تمام گزینه‌ها به‌جز گزینه «۲»، از معایب اقتصاد وابسته هستند. گزینه «۲» از مزایای آن محسوب می‌شود.

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۱۳۹ و ۱۴۰)

۶۸- گزینه «۱»

(رانیا امیری)

- هرگاه قدرت برای رسیدن به هدفی معین سازمان پیدا کند، سیاست پدید می‌آید. این اتفاق زمینه تعارضات، تزلزل و بحران‌های فرهنگی و هویتی را پدید می‌آورد. - قدرتی که مبتنی بر ایدئولوژی‌های ساختگی بشری باشد، مشروعیت دروغین دارد.

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۱۲۷ و ۱۲۸)

۶۹- گزینه «۱»

(سید آرش مرتضایی‌فر)

افزایش جمعیت یک جهان اجتماعی، به منزله گسترش فرهنگ و معانی آن است و کاهش جمعیت یک جهان اجتماعی نیز به منزله محدود شدن گستره آن است که می‌تواند زمینه‌ساز بسط و تسلط جهان‌های اجتماعی دیگر باشد. از این رو تأمین جمعیت مناسب برای جهان‌های اجتماعی، مسئله‌ای هویتی است.

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه ۱۱۳۴)

۷۰- گزینه «۱»

(کتاب آبی پیمانه‌ای)

- ارسطو از دو ملاک تعداد افراد تأثیرگذار و تصمیم‌گیرنده و روش تصمیم‌گیری برای دسته‌بندی نظام‌های سیاسی استفاده کرد و از شش نوع حکومت نام برد.

- فارابی ملاک دین‌مداری و دنیامداری نظام سیاسی را افزون بر ملاک‌های ارسطو در نظر گرفت.

- بر اساس تقسیم‌بندی ارسطو، آریستوکراسی و لیگارش، نظام‌هایی هستند که بر حاکمیت اقلیت استوارند.

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه ۱۲۹)

روان‌شناسی

۷۱- گزینه «۲»

(مفهم شبیهی)

- انسان و حیوان، در پاسخ به نیازهای زیستی، عوامل انگیزشی مشترکی دارند، اما انسان، برخلاف حیوان، تابع عامل توانمندتری است که «نگرش» نام دارد.

- در انگیزه بیرونی، عامل خارجی فرد را به انجام دادن کاری خاص برمی‌انگیزد.

- در انگیزه درونی، فرد کار یا فعالیت را به‌خاطر خود آن چیز انجام می‌دهد. (روان‌شناسی، انگیزه و نگرش، صفحه‌های ۱۶۰ تا ۱۶۳)

۷۲- گزینه «۲»

(مفهم رضا شریفی)

تشریح عبارت‌ها:

الف) اگر باورهای غلط شکل بگیرد حتی اگر توانایی انجام کاری را داشته باشیم باز نمی‌توانیم با موفقیت آن کار را انجام دهیم.

ب) شانس، اسناد به عامل غیرقابل کنترل است که انگیزه فرد را برای جبران کاهش می‌دهد همچنین برای موفقیت بهتر است به عامل درونی اسناد شود نه بیرونی.

ج) اعتقاد راسخ و واقعی به بودن یا نبودن چیزی یا انجام‌پذیر بودن یا نبودن کاری را باور می‌گویند.

(روان‌شناسی، انگیزه و نگرش، صفحه‌های ۱۶۵، ۱۶۶ و ۱۷۳)

۷۳- گزینه «۱»

(مفهم شبیهی)

- در ابتدای سؤال آمده است: «دانش‌آموزی تصمیم دارد در رشته پزشکی قبول شود و برای رسیدن به هدف خود، برنامه‌ای مرحله‌ای تنظیم کرده است.» این قسمت مستقیماً به هدفمندی (انتخاب هدف) اشاره دارد. انتخاب هدف باعث جهت‌دهی به رفتار، ایجاد انسجام، افزایش امید به موفقیت و جلوگیری از انحراف از مسیر می‌شود. همچنین برای رسیدن به اهداف بزرگ باید آن‌ها را به اهداف کوچک‌تر و قابل دستیابی تقسیم کرد که دقیقاً در متن سؤال به «برنامه‌ای مرحله‌ای» اشاره شده است.

- در ادامه آمده است: «او معتقد است استفاده از تلفن همراه موجب افت تحصیلی می‌شود، اما هر شب ساعت‌ها از آن استفاده می‌کند.» در اینجا بین شناخت (باور) و رفتار تعارض وجود دارد. وقتی فرد هم‌زمان دو شناخت ناسازگار یا یک باور و یک رفتار متناقض داشته باشد، دچار ناهماهنگی شناختی می‌شود که معمولاً احساس تنش و ناراحتی روانی ایجاد می‌کند. بنابراین علت ناراحتی او ناهماهنگی شناختی است.

- در سؤال آمده است: «با خود می‌گوید استفاده از شبکه‌های اجتماعی باعث افزایش اطلاعات علمی من می‌شود.» او رفتارش را تغییر نداده است؛ بلکه باور و نگرش خود را توجیه و بازسازی کرده است تا میان رفتار و شناخت هماهنگی ایجاد شود. طبق کتاب، هنگام بروز ناهماهنگی شناختی دو راه وجود دارد: تغییر رفتار یا تغییر نگرش (یا توجیه شناختی)؛ در این مثال، فرد نگرش خود را تغییر داده و رفتارش را توجیه کرده است.

- در پایان سؤال آمده است: «مزایای برنامه انتخابی خود را پررنگ‌تر و عیب‌های سایر برنامه‌ها را بزرگ‌نمایی می‌کند.» این دقیقاً همان پدیده‌ای است که کتاب در توضیح ناهماهنگی شناختی پس از تصمیم‌گیری بیان می‌کند؛ یعنی فرد پس از انتخاب، برای کاهش تردید و ایجاد آرامش ذهنی، خوبی‌های انتخاب خود را بیشتر و بدی‌های گزینه‌های کنار گذاشته‌شده را پررنگ‌تر می‌بیند. این رفتار ناشی از تمایل نظام شناختی به هماهنگی است و نشان می‌دهد نگرش‌ها پس از شکل‌گیری در برابر تغییر مقاومت می‌کنند.

(روان‌شناسی، انگیزه و نگرش، صفحه‌های ۱۶۸ تا ۱۷۱)

۷۴- گزینه «۳»

(مفهم رضا شریفی)

تشریح عبارت‌های غلط:

الف) ادراک کنترل و کارایی باید سازنده باشد؛ یعنی با شواهد محیطی هماهنگی لازم را داشته باشد، زیرا در صورت ناهماهنگی، نوعی ادراک کنترل و کارایی کاذب ایجاد می‌شود که مانع بروز رفتار است.

د) همواره دوست داریم همه چیز مطابق نظر ما و تحت اختیار ما باشد و با انجام دادن رفتارهای گوناگون سعی می‌کنیم محیط را در کنترل خود بگیریم و پیامدهای ناگوار را از خود دور کنیم.

(روان‌شناسی، انگیزه و نگرش، صفحه‌های ۱۷۲ و ۱۷۳)

۷۵- گزینه «۳»

(هاثا امدرزاده)

بررسی سایر گزینه‌ها:

«الف»: لج‌بودن معلم نوعی از اسناد بیرونی است. استعداد و تلاش عاملی درونی هستند.

«ب»: در درماندگی آموخته‌شده ما باور می‌کنیم که ناتوان هستیم و کنترلی بر محیط خود نداریم و برای تغییر دادن شرایط نمی‌توانیم کاری انجام دهیم؛ در نتیجه، انگیزه عمل در ما به وجود نمی‌آید و تلاشی نمی‌کنیم.

«ج» و «د»: زمانی که فرد بین فعالیت و نتایج به دست آمده رابطه‌ای نمی‌بیند، دچار درماندگی آموخته‌شده می‌شود؛ یعنی افراد یاد می‌گیرند که ناتوان هستند و حالتی است که در آن پیامدها و نتایج کار با تلاش و کار فرد ارتباطی ندارد.

(روان‌شناسی، انگیزه و نگرش، صفحه‌های ۱۷۵ تا ۱۷۷)

۷۶- گزینه «۴»

(هاثا امدرزاده)

ناکامی‌های مکرر به عنوان یک عامل روانی در ایجاد انواع بیماری جسمانی مانند اختلال در دستگاه گوارش، بیماری‌های قلبی-عروقی، لرزش دست و ... تأثیر دارند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: طبق پیوستار سلامت و بیماری، وضعیت «ناتوانی نسبتاً شدید» مرحله‌ای قبل از مرگ قرار دارد و این دو مرحله از هم مجزا هستند.

گزینه «۲»: در روان‌شناسی سلامت، اعتقاد بر این است که بیماری یا سلامت دو جنبه جداگانه نیستند، بلکه از سلامت کامل تا مرگ، یک پیوستار وجود دارد که هر یک از ما بر روی یکی از نقاط پیوستار جای می‌گیریم.

گزینه «۳»: فشارهای روانی در بیماری‌های قلبی-عروقی، معمولاً «عامل ایجاد بیماری» هستند نه پیامد بیماری‌ها.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی سلامت، صفحه‌های ۱۸۹ تا ۱۹۱)

۷۷- گزینه «۳»

(فریر هاری)

گزینه «۱»: درست؛ فشار روانی مثبت باعث ارتقای واکنش‌های رفتاری و پردازش‌های شناختی می‌شود.

گزینه «۲»: درست؛ روان‌شناسان سلامت برای بررسی سبک زندگی ممکن است از شما بپرسند آیا زمانی از روز را به تفریح یا ورزش می‌گذرانید؟

گزینه «۳»: نادرست؛ همه افراد نیاز به رژیم‌های غذایی خاص سن و جنس خودشان دارند و به تناسب رشد، نوع رژیم غذایی افراد تغییر می‌کند.

گزینه «۴»: درست؛ فشار روانی در مواجهه با هر تغییر در زندگی می‌تواند ایجاد شود فشار روانی از نوع ارتباط شخص با محیط است.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی سلامت، صفحه‌های ۱۹۲ تا ۱۹۷)



۷۸- گزینه «۲»

(مهمربیبی)

گزینه «۱»: نادرست است؛ زیرا مقابله‌های سازگانه فقط محدود به کوتاه‌مدت نیستند و هدف آن‌ها صرفاً «حذف فوری» نیست، بلکه شامل «تحمل و سازگاری» نیز می‌شود.

گزینه «۳»: نادرست است؛ زیرا کتاب درسی صراحتاً «مشورت و راهنمایی گرفتن» و «فعالیت بدنی و ورزش» را جزو روش‌های سازگانه معرفی کرده است، نه فقط مهارت‌های ذهنی و شناختی.

گزینه «۴»: نادرست است؛ زیرا مقابله سازگانه به معنای «پاک کردن صورت مسئله» نیست؛ بلکه به معنای مواجهه صحیح با آن است. شوخ‌طبعی نیز طبق متن برای زمانی است که «امکان از بین بردن مشکل در کوتاه‌مدت وجود ندارد»، نه اینکه به طور کلی راهکارهای حل مسئله را نادیده بگیریم.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی سلامت، صفحه‌های ۱۹۹ تا ۲۰۱)

۷۹- گزینه «۲»

(مهمربفرهاری)

مقابله‌های ناسازگانه	
منفعل بودن	فرد دست از تلاش برمی‌دارد و تلاش نمی‌کند و به‌طور کلی ناامید می‌شود.
در انتظار معجزه بودن	اتفاق خارق‌العاده‌ای رخ دهد. (امیدواری کاذب و غیرواقعی)
انجام رفتارهای تکانشی و بدون فکر و تأمل	فرد از لحاظ هیجانی به‌شدت تحریک می‌شود، به طوری که به هیجانات و رفتار خود کنترل ندارد و بسیار عصبی و پرخاشگر است و به خود و دیگران آسیب می‌رساند.
استفاده از داروهای شیمیایی، دخانیات و...	فرد در این مقابله، برای فراموش کردن هیجانات منفی فشار روانی و رهایی از آنها، از داروهای آرام‌بخش، مواد اعتیادآور یا سیگار استفاده می‌کنند که نه‌تنها کمکی به کنترل فشار روانی نمی‌کند، بلکه فشارآورهای بزرگتری ایجاد می‌کنند و بر سلامتی فرد تأثیر مخرب دارد.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی سلامت، صفحه‌های ۲۰۲ و ۲۰۳)

۸۰- گزینه «۳»

(مهمربفرهاری)

راه مستقیم	گاهی امور مذهبی، به‌صورت مستقیم موجب ارتقای سلامتی افراد می‌شوند، به عبارت دیگر، چیزی که باعث ارتقای سلامتی می‌شود، باورهای مذهبی و حس آرامش ناشی از آن‌هاست که مستقیماً بر روی بهبود عملکرد سیستم ایمنی بدن اثر گذاشته و با بهبود آن موجب سلامتی می‌شود.
راه غیرمستقیم	مذهب و رفتارهای معنوی (مثل توکل بر خدا)، از طریق ایجاد آرامش ذهنی، کاهش فشار روانی، رابطه با خداوند و ایجاد روحیه مثبت از شرکت در مراسم مذهبی، عبادت و افزایش احساس حمایت اجتماعی، باعث بهبود عملکرد سیستم ایمنی بدن می‌شود.
	گاهی امور مذهبی به‌صورت غیرمستقیم باعث افزایش کیفیت سبک زندگی افراد می‌شوند؛ به عبارت دیگر، چیزی که باعث ارتقای سلامتی می‌شود، مستقیماً مربوط به دین نیست. تحقیقات نشان داده است افراد مذهبی، در مقایسه با دیگر افراد، سبک زندگی سالم‌تری دارند و از رفتارهای پرخطر جنسی، مصرف سیگار، الکل و تغذیه ناسالم اجتناب می‌کنند.

محسن با کمک گرفتن از باورها و رفتارهای مذهبی مثل دعاخواندن و توکل بر خدا، فشار روانی خود را کنترل کرده و برای قبولی در رشته دلخواه خود تلاش می‌کند. این یک نمونه از تأثیر مستقیم مذهب بر سلامت است.

تشریح گزینه‌های نادرست:

گزینه «۱»: مذهب و ارتباط با خداوند در ایجاد آرامش روانی و استفاده از روش‌های سازگانه در مقابله با فشار روانی تأثیر دارد.

گزینه «۲»: عبارت بیان‌شده در این گزینه مربوط به تأثیر غیرمستقیم مذهب بر سلامت است.

گزینه «۴»: ایجاد روحیه مثبت حاصل از شرکت در مراسم مذهبی، باعث بهبود عملکرد سیستم ایمنی بدن می‌شود.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی سلامت، صفحه ۲۰۴)

عربی زبان قرآن (۲)

۸۱- گزینه «۱»

(کلامران عبداللّهی)

«أُذْکِرُوا»: یاد (ذکر) کنید (رد گزینه ۴) / «نِعْمَةُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ»: نعمت خدا را بر خود (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / «إِذْ»: آنگاه، زمانی که / «كُنْتُمْ أَعْدَاءَ»: دشمن بودید (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / «أَلْفَ»: انس (الف) ایجاد کرد / «بَيْنَ قُلُوبِكُمْ»: میان دل‌هایتان (قلب‌هایتان) / «أَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا»: به نعمت او برادر شدید (رد گزینه‌های ۳ و ۴)

(ترجمه)

۸۲- گزینه «۱»

(مرتضی کاطم شیروردی)

«إِنْ»: بی‌گمان، همانا / «الْمُعَوِّقِينَ الَّذِينَ...»: معلولانی که ...، جانبازانی که ... (رد گزینه ۲) / «خَصَلُوا عَلَيَّ»: به ... دست یافتند / «تَجَاحَتِ جِدَّةٌ»: موفقیت‌های (پیروزی‌های) خوبی / «قَدْ تَحَمَّلُوا»: تحمل کرده‌اند (فعل ماضی ← رد گزینه ۳) / «مَشَقَاتٍ كَثِيرَةٍ»: سختی‌های زیادی / «فِي حَيَاتِهِمْ»: در زندگی خود، در زندگی‌شان (رد گزینه ۴) / «لَأَنْ»: زیرا / «كَأَنَّتْ لَهُمْ»: داشتند (رد گزینه‌های ۳ و ۴)

تکته مهم درسی:

ترکیب «کانَ + لَ» به معنای «داشت» است.

(ترجمه)

۸۳- گزینه «۳»

(سید مهمربعلی مرتضوی)

«مَنْ فَكَّ ... أَوْ رَحِمَ ... فَقَدْ أَحْيَا ...»: (در جمله‌های شرطی، می‌توانیم فعل ماضی را به‌صورت ماضی یا مضارع ترجمه کنیم) هر کس ... آزاد کند یا ... رحم نماید، زنده کرده است (رد گزینه ۲) / «عَزِيزاً ذَلَّ»: (اسم نکره + جمله وصفیه) انسان عزتمندی که خوار شده است (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / «أَمَلًا عَظِيمًا»: امید بزرگی (رد گزینه ۲) / «لَا يَضِيعُ»: (فعل مضارع منفی) ضایع نمی‌شود (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «بِئَقْبَى»: باقی می‌ماند (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «إِلَى الْأَبَدِ»: تا ابد (رد گزینه ۲؛ در جای نامناسبی ترجمه شده است!)

(ترجمه)



۸۴- گزینه «۴»

(ولی برپی - ابرهر)

در گزینه «۴» خطایی وجود ندارد؛ «یعینان» جمله وصفیه است و هرگاه جمله وصفیه مضارع باشد و در عبارت قبل از آن فعل ماضی بیاید، معمولاً این فعل مضارع، به صورت «ماضی استمراری» ترجمه می شود.

تشریح سایر گزینه ها:

گزینه «۱»: «الشلل الدماغي» به معنای «فلج مغزی» است.

گزینه «۲»: در ترجمه، «از قوی ترین مردم» آمده که «از» در عبارت عربی معادلی ندارد، ضمن اینکه «فلیتوکل» به معنای «پس باید توکل کند» است، زیرا لام امر بر سر فعل مضارع آمده است و معنای «باید» دارد.

گزینه «۳»: «می توانند» در ترجمه فارسی اضافی است و معادلی در عبارت عربی داده شده ندارد.

(ترجمه)

۸۵- گزینه «۲»

(مبطفی قریمی فرد)

«دانش آموزان باید بدانند: لیعلم الطلاب، الطلاب لیعلموا (گزینه «۴» نادرست است، زیرا فعل به صورت مؤنث آمده است و در گزینه «۱» هم «یفهم» معادل مناسبی نیست.) / «آزمون ها»: الامتحانات / «یادگیری دروس»: تعلم الدروس (رد گزینه ۳) / «از آن»: منها (رد سایر گزینه ها)

نکته مهم درسی:

هرگاه مرجع ضمیر، جمع غیرانسان باشد، ضمیر به صورت مفرد مؤنث (هی، ها) می آید؛ در این جا «از آن = منها»، زیرا «آن» به «امتحانات» برمی گردد.

(تعریب)

۸۶- گزینه «۲»

(امیرعلی فردین - کنبر کاووس)

با توجه به ترجمه آیه شریفه در صورت سؤال (مؤمنان باید بر خداوند توکل کنند)، درمی یابیم گزینه «۲» که بر توکل به خدا تأکید می کند، با آن تناسب مفهومی بیشتری دارد.

(مفهوم)

۸۷- گزینه «۲»

(مهمهری یعقوبی)

تشریح سایر گزینه ها:

گزینه «۱»: «المُعَوَّق» (با توجه به حرکت فتحه روی عین الفعل) اسم مفعول است.

گزینه «۳»: «یُواجِه» فعل مضارع از باب مُفاعلة است که این باب فقط یک حرف زائد دارد.

گزینه «۴»: «يَتَغَلَّب» فعل مضارع از باب «تَفَعَّل» است.

نکته مهم درسی:

حروف زائد افعال ثلاثی مزید، همواره بر اساس اولین صیغه فعل ماضی (صیغه مفرد مذکر غایب) تعیین می شود.

(تفلیل صرفی)

۸۸- گزینه «۳»

(کتاب تاک - کلنور سراسری ۱۴۰۰)

صورت سؤال گزینه ای را می خواهد که در آن حرف «ل» با بقیه متفاوت باشد. حرف «ل» در گزینه «۳»، به معنای «تا، تا این که» است، زیرا دو جمله را به هم متصل کرده است. («ل» از نوع ناصبه است.)

ترجمه: پدرم با ما صحبت کرد تا به خطراتی که مقابلمان است، توجه کنیم! در سایر گزینه ها، «ل» از نوع امر و به معنای «باید» است:

۸۹- گزینه «۳»

(مهمهرضا سوری - نهاوند)

گاهی «کان» بر مضارع دلالت دارد و معنی «است» می دهد، اما در گزینه «۳»، در مورد موضوعی در گذشته خبر می دهد که به اتمام رسیده است.

(ترجمه عبارت: این دانش آموز ساکت بود و سخنی درباره موضوع نگفت!)

تشریح سایر گزینه ها:

گزینه «۱»: ترجمه عبارت: شیطان برای انسان، دشمنی آشکار است!

گزینه «۲»: ترجمه عبارت: بزرگترین بلا برای انسان، قطع شدن امید است!

گزینه «۴»: ترجمه عبارت: انسان بردبار فقط کسی است که هرگاه قدرت (انتقام) داشته باشد، ببخشد و بردباری بر هر کار او غالب باشد!

(افعال ناقصه)

۹۰- گزینه «۲»

(مهمهرضا قانر امینی - اصفهان)

در گزینه «۲»، «کان» در معنای «است» به کار رفته است و اگر از جمله حذف هم بشود، تغییری در معنای عبارت ایجاد نمی شود: «پیامبر خدا (ص)، الگویی نیکو برای همه مسلمانان است!»

نکات مهم درسی:

هرگاه «کان» درباره خداوند و صفات او و پیامبر (ص)، یا واقعیت ها و حقیقت های ثابت اجتماعی، دینی و علمی به کار رود، به صورت مضارع (است) ترجمه می شود.

تشریح سایر گزینه ها:

گزینه «۱»: حذف «کان» موجب تغییر در ترجمه فعل جمله می شود. اگر «کان» حذف شود، فعل جمله به جای ماضی بعید، به صورت ماضی ساده ترجمه می شود (حامد، مقاله ای درباره زندگی یوسف و برادرانش نوشت!).

گزینه «۳»: حذف «کان» موجب تغییر در ترجمه فعل جمله می شود. اگر «کان» حذف شود، فعل های جمله به جای ماضی استمراری، به صورت مضارع اخباری ترجمه می شوند (دوست صمیمی ام، اندوه غمگین را می زداید و از خانواده پشتیبانی می کند!).

گزینه «۴»: حذف «کان» موجب تغییر در ترجمه جمله می شود. اگر «کان» حذف شود، جمله به جای ماضی، در زمان حال ترجمه می شود (دفتر خاطرات خواهر کوچکترم بر روی میز است!).

(افعال ناقصه)



عربی زبان قرآن (۱)

۹۱- گزینه ۱»

(کتاب آبی پیمانه‌ای)

«إِعْلَمَ»: (فعل امر مخاطب) بدان (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / «ثَمَرَةُ الْعِلْمِ»: میوه علم (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «مُدَارَاةُ النَّاسِ»: مدارا کردن با مردم

(ترجمه)

۹۲- گزینه ۲»

(معمدرضا سوری - نواور)

«علی امتداد»: در امتداد / «هذه الأنايب»: این لوله‌ها (رد گزینه ۳) / «توجدُ»: وجود دارد (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / «أعمدة اتصالات»: دکل‌های (ستون‌های) مخابراتی (رد گزینه ۱) / «كمحطات انذار»: به‌عنوان ایستگاه‌های هشدار (رد گزینه ۱) / «لوحات تحذيرية»: تابلوهای هشدار (رد گزینه ۴) / «تُحذَرُ»: بر حذر می‌دارد (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «المواطنین»: شهروندان / «مِن خفر الأرض»: از کندن زمین / «لبناء»: برای ساخت (رد گزینه ۱) / «العمارة»: ساختمان (رد گزینه ۳) / «للزراعة»: برای کشاورزی (رد گزینه ۴)

(ترجمه)

۹۳- گزینه ۱»

(کامران عبداللوی)

«إِذَا»: هرگاه، اگر / «تأملَ الإنسان»: انسان بیندیشد (فکر کند) / «أسرار البحار»: رازهای دریاها (رد گزینه ۴) / «مخلوقاتِها العجیبة»: آفریده‌های شگفت آن (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / «یزدادُ إیمانَه»: ایمانش بیشتر می‌شود (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «قُدْرَةُ اللَّهِ وَ حِکْمَتِهِ»: قدرت و حکمت خداوند (رد گزینه ۴)

(ترجمه)

۹۴- گزینه ۳»

(همیدرضا قانر امینی - امفغان)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «وُجِدَ»: پیدا شد

گزینه ۲: «عَرَفْنِي»: به من معرفی کرد

گزینه ۴: «لَنَا صَدِيقٌ»: دوستی داریم

نکات مهم درسی:

(۱) در ترجمه فعل مجهول، معمولاً از مشتقات فعل «شدن» استفاده می‌کنیم. مثال: «وُجِدَ» فعل ماضی مجهول به معنای «پیدا شد» است.

(۲) هرگاه حرف «لِ» در ابتدای جمله، بر سر اسم یا ضمیر متصل بیاید، به معنای «داشتن» است. مثال: «لَنَا صَدِيقٌ»: دوستی داریم»

(ترجمه)

۹۵- گزینه ۳»

(معمرمهری یعقوبی)

«قطعا ایران به دست آورده است»: قَدْ اكْتَسَبَتْ إِيْرَانُ (رد سایر گزینه‌ها) / «سود زیادی»: (باید مفعول و منصوب باشد) نفعاً كبيراً (رد گزینه ۲) / «از راه انتقال نفت و گاز»: غَيْرَ نَقْلِ النَّفْطِ وَ الْغَازِ (رد سایر گزینه‌ها) / «به بعضی کشورها»: إِلَى بَعْضِ الدَّوَلِ (رد گزینه ۱)

نکته مهم درسی:

اگر حرف «قَدْ» بر سر فعل ماضی بیاید، فعل را به‌صورت ماضی نقلی ترجمه می‌کنیم، همچنین می‌توانیم همراه آن از «قطعا، بی‌شک» نیز استفاده کنیم. (تعریب)

۹۶- گزینه ۳»

(ابوطالب درانی)

نزدیک‌ترین عبارت از لحاظ مفهومی به عبارت صورت سؤال (با هیچ چیز مانند عدالت، سرزمین‌ها آباد نشده‌اند!)، در گزینه «۳» آمده است. مفهوم هر دو عبارت این است که عدالت باعث آبادی و پایداری سرزمین‌ها می‌شود. (مفهوم)

۹۷- گزینه ۱»

(مصطفی قدیمی‌فرد)

«تُحَذَرُ» (مجهول): برحذر داشته می‌شود» نادرست است، زیرا با توجه به معنی، فعل معلوم (تُحَذَرُ: بر حذر می‌دارد) موردنیاز است. «لِغرض» نادرست است، در این جا «لِغرض» صحیح است.

نکته مهم درسی:

حرف جرّ «لِ» با ضمیر، به‌صورت «لِ» (مثلاً: لَكُمْ) و با غیرضمیر به‌صورت «لِ» (مثلاً: لِمَدْرَسَةٍ) می‌آید.

(فیض حرکات)

۹۸- گزینه ۲»

(معمدرضا سوری - نواور)

ترجمه عبارت: کشور ما سرشار از نفت است و نفت و مشتقاتش را به کشورهای صنعتی صادر می‌کند!

«تُصَدَّرُ» فعل معلوم است، زیرا انجام‌دهنده دارد و «النَّفْطُ» هم مفعول آن است؛ وجود مفعول نشانه معلوم بودن فعل «تُصَدَّرُ» است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «۱»: «تَشَاهَدُ السُّفُنُ»: کشتی‌ها مشاهده می‌شوند». «تَشَاهَدُ» فعل مجهول و «السُّفُنُ» نائب فاعل.

گزینه ۳: «۳»: «يُسْتَخْرَجُ الْمَاءُ»: آب استخراج می‌شود». «يُسْتَخْرَجُ» فعل مجهول و «الماءُ» نائب فاعل.

گزینه ۴: «۴»: «تَنْقُلُ مَشْتَقَاتُ»: مشتقات منتقل می‌شود». «تَنْقُلُ» فعل مجهول و «مَشْتَقَاتُ» نائب فاعل.

(فعل مجهول)

۹۹- گزینه ۴»

(ولی بربری - ابهر)

تشریح گزینه‌ها:

گزینه ۱: «۱»: «نون» در «عَنَى» نون وقایه است (نباید «نون» در «لا تَكُونِي» را که از حروف اصلی فعل است، نون وقایه گرفت!).

گزینه ۲: «۲»: «بَلْغَنِي» نون وقایه دارد (نباید «نون» در «لا تحزني» را که از حروف اصلی فعل است، نون وقایه گرفت!).

گزینه ۳: «۳»: «أَمَرَنِي» دارای نون وقایه است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: جمع «المعجم» (فرهنگ لغت)، «المعجم» است.
گزینه «۲»: «زَیْب» با «شَک» مترادف است.
گزینه «۳»: مفرد «نُقَاد»، «نَاقِد» است.

(واژگان و مفهومی)

۱۰۶- گزینه «۴»

(نویر امساکنی)

ترجمه عبارت گزینه «۴»: آب میوه‌ها که گرفته می‌شود و به دلیل فوایدش برای بدن نوشیده می‌شود! (نادرست است).

(واژگان و مفهومی)

۱۰۷- گزینه «۳»

(سیر مفعولی مرفوعی)

در گزینه «۳»، «التفکر» از باب تفعّل است و دو حرف زائد دارد؛ همچنین دقت کنید که «مثل» یک اسم است، نه حرف جر؛ بنابراین «التفکر» مضاف الیه است، نه مجرور به حرف جر.

(تقلیل صرخی و اعراب)

۱۰۸- گزینه «۴»

(سیر مفعولی مرفوعی)

«إِنَّ» کَلّ جمله پس از خود را تأکید می‌کند، نه فقط اسم بعد از خود را!

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: «لِیت» برای بیان تمنّی (آرزومندی) می‌آید.
گزینه «۲»: «كَانَ» برای بیان معنای تشبیه می‌آید.
گزینه «۳»: «أَنَّ» برای ایجاد ارتباط میان دو جمله به کار می‌رود. (حرف ربط است).

(مرفوع مشبّه بالفعل)

۱۰۹- گزینه «۱»

(سیر مفعولی مرفوعی)

در گزینه «۱»، «مَنْ» اسم «لعلّ» است و «ناجح» خبر آن و مرفوع است. (ترجمه عبارت: امید است کسی که با اخلاص تلاش‌هایش را انجام می‌دهد، موفق باشد!)

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۲»: «مَتَّحِدُونَ» خبر «لِیت» است و باید مرفوع باشد.
گزینه «۳»: «عِلْمَاء» اسم «كَانَ» است و باید منصوب باشد.
گزینه «۴»: «مَجْتَهِدٌ» خبر «إِنَّ» است و باید مرفوع باشد.

(مرفوع مشبّه بالفعل)

۱۱۰- گزینه «۲»

(کتاب آبی پیمانه‌ای - کنکور قاج از کشور ۱۴۰۳)

با توجه به گزینه‌ها، مشخص است که نکات «لا»ی نفی جنس مدّ نظر سؤال است. قواعد مربوط به اسم «لا»ی نفی جنس تنها در گزینه «۲» به درستی رعایت شده است، در سایر گزینه‌ها به ترتیب: «لا أحد»، «لا کتَر» و «لا شیء» صحیح است.

نکات مهم درسی:

دقت کنید اسم «لا»ی نفی جنس:
- همواره نکره است و «ال» نمی‌گیرد.
- همیشه در آخر خود، علامت فتحه (َ) دارد.
- هیچ‌گاه علامت تنوین (ً) نمی‌گیرد.

(«لا»ی نفی جنس)

گزینه «۴»، «نون» در «ظَنَی» برای خود کلمه است و نون وقایه نیست (دقت کنید «ظَنَ» در این عبارت اسم است و نون وقایه به اسم نمی‌چسبد).

نکته مهم درسی:

نون وقایه به نونی گفته می‌شود که بین فعل‌های متعدّی و ضمیر متکلم «ی» می‌آید، همچنین نون وقایه، میان حروف «مِنْ، عَنْ، إِنْ، أَنْ، لِیت، لعلّ، لکنّ، کَانَ» و ضمیر متکلم «ی» هم می‌آید.

(نون وقایه)

۱۰۰- گزینه «۳»

(امیرعلی فردین - کنبد کاووس)

اسمی که بعد از حرف جر می‌آید، مجرور به حرف جر می‌شود. عبارت داده شده در صورت سؤال، دارای سه اسم مجرور به حرف جر است:
الدلفین، الغرّی و الشّاطیئ.

(مرفوع هر)

عربی، زبان قرآن (۳)

۱۰۱- گزینه «۲»

(نویر امساکنی)

«قالوا»: گفتند/ «لا علم لنا»: «(لا»ی نفی جنس) هیچ علمی نداریم (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «إِنّک»: همانا تو (رد گزینه ۴) / «عَلَم»: بسیار دانا (رد گزینه ۱) / «الغُیُوب»: پنهان‌ها (رد گزینه ۳)

(ترجمه)

۱۰۲- گزینه «۴»

(سیر مفعولی مرفوعی)

«لا شیء»: هیچ چیزی نیست (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / «أَسْوَأُ»: (اسم تفضیل) بدتر (رد گزینه ۳) / «أَنْ تَظْلَمَ إِنْسَانًا»: که به انسانی ستم کنی (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / «لِیس لَهُ أَحَدٌ»: کسی را ندارد (رد گزینه ۱) / «سَوِیَ الله»: به جز خدا

(ترجمه)

۱۰۳- گزینه «۴»

(کتاب آبی پیمانه‌ای)

«لَکُلِّ إِنْسَانٍ هَدَفٌ»: هر انسانی هدفی دارد (ل + اسم = داشتن) (رد سایر گزینه‌ها) / «یَعِیشُ»: زندگی می‌کند / «یَسْعَى»: می‌کوشد / «تَحْقِیقُهُ»: برآورده کردن آن / «لَا هَدَفَ لَهُ»: هیچ هدفی ندارد / «تُصْبِحُ»: می‌شود / «خِیَاثُهُ»: زندگی‌اش / «عَبَثًا»: عبث، بیهوده

(ترجمه)

۱۰۴- گزینه «۴»

(مفهرصارق مفسنی)

ترجمه صحیح عبارت گزینه «۴»: همانا عاقل میان دیگران دشمنی کسب نخواهد کرد!

(ترجمه)

۱۰۵- گزینه «۴»

(مفهرصارق مفسنی)

در گزینه «۴»، «إِنَّمَا» فقط و «سَوِیَ» به جز متضاد نیستند.

تاریخ (۲)

۱۱۱- گزینه «۱»

تشریح عبارت‌ها:

الف) مربوط به شاه تهماسب اول است.

ب) مربوط به شاه صفی است.

ج) مربوط به شاه اسماعیل صفوی است.

د) مربوط به شاه عباس اول است.

ه) مربوط به شاه سلیمان است.

(تاریخ (۲)، تعولات سیاسی و اقتصادی ایران در دوره صفوی، صفحه‌های ۱۳۷، ۱۳۹ و ۱۴۲)

۱۱۲- گزینه «۲»

تشریح عبارت‌های نادرست:

عبارت «ب»: در دوره صفوی هنر خوشنویسی در کنار هنر نگارگری به اوج شکوفایی رسید و هنرمندانی چون میرعلی هروی و میرعمادحسنی قزوینی آن را به کمال رسانیدند.

عبارت «د»: ملاصدرا (صدرالمألهین) شاگرد شیخ بهایی و میرداماد بود و مؤسس حکمت متعالیه است.

(تاریخ (۲)، فرهنگ و تمدن در عصر صفوی، صفحه‌های ۱۵۱، ۱۵۲ و ۱۵۵)

۱۱۳- گزینه «۱»

تشریح عبارت‌های نادرست:

ب) جنگ‌های صلیبی علیه مسلمانان به دعوت پاپ و به فرماندهی شاهان و اشراف اروپایی بود.

د) بر اثر این جنگ‌ها، اطلاعات جغرافیایی اروپاییان افزایش یافت و بنیادر مهم اروپایی در دریای مدیترانه از نو شکوفا شدند و دوباره رونق گرفتند.

(تاریخ (۲)، قرون وسطا، صفحه‌های ۱۶۵ و ۱۶۷)

۱۱۴- گزینه «۴»

شهرهای بندری ونیز، جنوا، پیزا و پالمو، تجارت در دریای مدیترانه و سواحل غربی اروپا را در اختیار داشتند.

نکته مهم درسی:

فلورانس، مرکز داد و ستد کالاهای قیمتی فلزی و چرمی بود و تجارت پارچه را در بخش وسیعی از اروپا به خود اختصاص داده بود.

(تاریخ (۲)، رنسانس و عصر مدرن، صفحه ۱۷۴)

۱۱۵- گزینه «۲»

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: مربوط به کشورهای اسپانیا و پرتغال است.

گزینه «۳»: گالیله، استاد دانشگاه پیزا در ایتالیا بود.

گزینه «۴»: مربوط به کشور اسپانیاست.

(تاریخ (۲)، رنسانس و عصر مدرن، صفحه‌های ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۳ و ۱۸۵)

تاریخ ایران و جهان (۱)

۱۱۶- گزینه «۳»

تشریح عبارت‌های نادرست:

(علیرضا آرزادی زاده)

ب) تا زمان داریوش بزرگ در بیشتر نواحی تحت فرمان او، سکه (پول) رواج چندانی نداشت و هنوز مردم از مبادله کالا به کالا (پایپای) استفاده می‌کردند.

ج) در زمان هخامنشیان، ضرب سکه طلا در انحصار پادشاهان بود و ساتراپ‌ها با اجازه او می‌توانستند سکه نقره ضرب کنند.

(تاریخ (۱)، اقتصاد و معیشت، صفحه‌های ۱۱۸ تا ۱۲۰ و ۱۲۳)

۱۱۷- گزینه «۳»

(کتاب آبی پیمان‌های)

در دوران حکومت سلوکیان، تجارت رونق گذشته را نداشت، اما برقراری روابط سیاسی و تجاری میان ایران و چین، از عوامل مهم رونق جریان داد و ستد در دوران اشکانیان بوده است.

(تاریخ (۱)، اقتصاد و معیشت، صفحه‌های ۱۲۵ و ۱۲۶)

۱۱۸- گزینه «۱»

تشریح گزینه‌های دیگر:

(فاطمه امیری)

گزینه «۲»: مطابق تعالیم زرتشتی، گروهی از موجودات الهی که امشاسپندان یا جاودانان مقدس خوانده می‌شوند، اهوره‌مزدا را در امر آفرینش یاری می‌کنند.

گزینه «۳»: نسخه‌ای از اوستا که در زمان هخامنشیان بر پوست گاو نوشته شده بود، به دست اسکندر مقدونی از بین رفت. چند قرن بعد یکی از پادشاهان اشکانی به نام بلاش یکم اوستا را گردآوری کرد.

گزینه «۴»: در عهد اشکانی، ستایش ایزدمهر به قلمرو روم در آسیای صغیر راه یافت و در آنجا به کیشی مستقل تبدیل شد و سپس به اروپا رسید.

(تاریخ (۱)، دین و اعتقادات، صفحه‌های ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۱ و ۱۳۲)

۱۱۹- گزینه «۳»

(فاطمه عزیزی)

تشریح عبارت‌ها:

الف) کتاب دینی اوستا به زبان اوستایی، یکی از زبان‌های ایرانی باستان نوشته شده است.

ب) به نظر برخی زبان‌شناسان، منظومه‌های داستانی «درخت آسوریک» و «یادگار زیربان» که در قرن ۵ میلادی به خط و زبان پهلوی ساسانی نگارش یافته‌اند، ابتدا به زبان پارتی سروده شده بودند.

ج) مهم‌ترین مدارک بر جای مانده از زبان فارسی باستان، سنگ‌نوشته‌های پادشاهان هخامنشی است که به خط میخی نوشته شده‌اند.

د) از گزارش‌های مورخان یونانی معلوم می‌شود که در زمان هخامنشیان، قسه‌های متعددی به زبان فارسی باستان وجود داشته و مردم آن‌ها را از حفظ می‌خواندند.

تکات مهم درسی:

- (۱) زبان ایلامی، که مردمان جنوب غربی فلات ایران با آن سخن می‌گفتند، زبان رسمی و نوشتاری حکومت و تمدن ایلام بود. این زبان تا مدتی پس از ورود آریاییان، همچنان رواج داشت.
- (۲) آیین و فرهنگ ایرانی بر اهمیت تربیت و ارزش دانایی و خردورزی تأکید می‌کرد.

(تاریخ (۱)، زبان، علم و آموزش، صفحه‌های ۱۳۶ تا ۱۴۰)

۱۲۰- گزینه «۴»

(علیرضا پدرام)

سلوکیان تمام تلاش خود را برای گسترش فرهنگ، هنر و معماری یونانی در ایران به کار گرفتند. در آن زمان، عده زیادی از یونانیان به میهن ما مهاجرت کردند و سکونتگاه‌ها و شهرهای جدیدی را بر پایه اصول معماری یونانی پی افکندند. اشکانیان که در پی سلوکیان قدرت را به دست گرفتند، در آغاز، دنباله‌رو دستاوردهای فرهنگی و هنری یونانیان بودند، اما به تدریج از نفوذ فرهنگ، هنر و معماری یونانی در ایران کاسته شد.

(تاریخ (۱)، هنر و معماری، صفحه ۱۴۷)

جغرافیا (۲)

۱۲۱- گزینه «۴»

(هامر صفرقانیان)

انواع نواحی سیاسی:

الف) ناحیه فروملی: یک واحد جغرافیایی مانند روستا، شهر، بخش، شهرستان و استان است که تحت مدیریت دهرداری، شهرداری، بخشداری، فرمانداری و استانداری قرار دارد. (در نتیجه ممکن است یک ناحیه فروملی درون یک ناحیه فروملی دیگر قرار بگیرد؛ مثلاً شهر داخل استان قرار می‌گیرد.)

ب) ناحیه سیاسی ملی: هر کشور مستقل که نظام حکومتی مستقلی دارد، یک ناحیه سیاسی ملی محسوب می‌شود.

ج) ناحیه سیاسی فراملی: عبارت است از چند کشور که تحت اداره یک نظام مدیریت منطقه‌ای قرار گرفته‌اند؛ مانند اتحادیه اروپا.

د) ناحیه سیاسی ویژه: ناحیه‌ای است که نظام مدیریت مخصوص به خود دارد؛ مانند نواحی خودمختار و مناطق آزاد تجاری. ناحیه خودمختار به استان‌ها یا ایالت‌هایی گفته می‌شود که به دلیل شرایط قومی و مذهبی و نظایر آن، از استقلال محدودی برخوردارند و در امور سیاست خارجی و دفاع، تابع حکومت مرکزی هستند. به عبارت دیگر، خودمختاری، استقلال محدود یک واحد سیاسی در اداره خود در داخل یک کشور است. از نواحی خودمختار جهان، می‌توان به نخجوان در جمهوری آذربایجان، بندر هنگ

کنگ (چین) و کردستان در عراق اشاره کرد. مناطق آزاد تجاری مناطقی هستند که برخی قوانین و مقررات کشور در آن‌ها اجرا نمی‌شود؛ برای مثال، اتباع خارجی می‌توانند بدون اخذ روادید (ویزا) از قبل، به مناطق آزاد تجاری یک کشور وارد شوند و یا قوانین مالیاتی و گمرکی کشورها در مورد سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد اجرا نمی‌شود.

در نتیجه:

ناحیه سیاسی ویژه حتماً اول باید زیرمجموعه یک ناحیه ملی قرار بگیرد تا بتواند زیرمجموعه ناحیه فراملی قرار بگیرد، زیرا در عین اینکه یک ناحیه ویژه است، اما استقلال کامل ندارد و در سیاست خارجی پیرو ناحیه ملی مرکزی است.

بنابراین نظر رضا در مورد اینکه «ه» یک ناحیه سیاسی ویژه است و زیرمجموعه «الف» (که یک منطقه فراملی است). قرار می‌گیرد، اشتباه است.

(جغرافیا (۲)، معنا و مفهوم ناحیه سیاسی، صفحه‌های ۱۱۸ و ۱۱۹)

۱۲۲- گزینه «۴»

(علیرضا سالمی)

تشریح گزینه‌ها:

گزینه «۱»: مرزهای پیشتاز، مرزهایی هستند که از زمان‌های قدیم در نواحی خالی از سکنه ترسیم شده‌اند و بعدها مورد قبول ساکنان دو کشور همسایه قرار گرفته‌اند؛ مانند مرز بین کانادا و آلاسکا که بعدها به تدریج مردم در دو طرف آن اسکان یافتند. این نوع مرزها مشکلی ایجاد نمی‌کنند.

گزینه «۲»: مرزهای تحمیلی، مرزهایی هستند که در تعیین آن‌ها شرایط فرهنگی در نظر گرفته نشده است؛ مانند مرز بین کره شمالی و کره جنوبی که پس از پایان جنگ جهانی دوم، آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی سابق توافق کردند که مرز بین دو کشور روی مدار ۳۸ درجه تعیین شود. پس از آن، بارها بین دو کشور حمله‌های نظامی و درگیری‌های مرزی رخ داده است.

اما در تعیین مرز میان هند و پاکستان، دقت شد تا منطقه مسلمان‌نشین از هندونشین جدا شود و با در نظر گرفتن شرایط فرهنگی، خط مرزی تعیین شد. گزینه «۳»: در رودهای قابل کشتی‌رانی، تالوگ بهترین خط مرزی است؛ چون هر دو طرف حق کشتی‌رانی در دو طرف آن را دارند.

گزینه «۴»: در بخش‌هایی از زمین که امکان استفاده از پدیده‌های طبیعی برای تعیین خطوط مرزی وجود نداشته باشد، با استفاده از مختصات جغرافیایی، خط مرزی تعیین می‌شود؛ مانند مرز بین کانادا و آمریکا روی مدار ۴۹ درجه شمالی و همچنین مرزهای مصنوعی با توافق دو کشور همجوار بر روی زمین تعیین و علامت‌گذاری می‌شود؛ مانند مرز ایران و افغانستان.

(جغرافیا (۲)، کشور، یک ناحیه سیاسی، صفحه‌های ۱۳۱ و ۱۳۴)



جغرافیای ایران

۱۲۶- گزینه «۴»

(فاطمه امیری)

شکل سؤال، بیانگر یک روستاست و صرفاً گزینه «۴» درباره آن صادق است؛ گزینه «۱» مربوط به سکونتگاه عشایری و گزینه‌های «۲» و «۳» مربوط به سکونتگاه شهری است.

(مغرافیای ایران، سکونتگاه‌های ایران، صفحه‌های ۸۶ و ۸۸)

۱۲۷- گزینه «۱»

(علیرضا پیرام)

مهاجرت معکوس که از شهرها به روستاها اتفاق می‌افتد، معمولاً ناشی از آلودگی هوا، گرانی مسکن و آسیب‌های اجتماعی در شهرهاست.

(مغرافیای ایران، سکونتگاه‌های ایران، صفحه‌های ۹۰ و ۹۳)

۱۲۸- گزینه «۳»

(راضیه ابراهیمی نژاد)

تشریح عبارت‌های نادرست:

الف) توجه انسان به اقتصاد، معلول تأمین نیازهای خود (انسان) ذکر شده است.

ب) گستردگی کشور در عرض جغرافیایی، در متن کتاب عاملی برای پرورش انواع دام ذکر شده است.

(مغرافیای ایران، توان‌های اقتصادی ایران، صفحه‌های ۹۴ تا ۹۷)

۱۲۹- گزینه «۴»

(کتاب آبی پیمان‌های)

عدم تعادل در پراکندگی قطب‌های صنعتی در سطح کشور نشان می‌دهد که به توان‌ها و ظرفیت‌های محیطی ایران به طور کامل توجه نشده است.

(مغرافیای ایران، توان‌های اقتصادی ایران، صفحه ۱۰۱)

۱۳۰- گزینه «۳»

(عاطفه طاهر)

تشریح عبارت‌های نادرست:

ب) رسالت نهاد آموزش و پرورش، افزایش سطح آگاهی و نگرش افراد در جامعه است.

ج) سازمان جهانی گردشگری (WTO) ایران را از نظر جاذبه‌های طبیعی در رتبه پنجم و از نظر جاذبه‌های تاریخی و فرهنگی در رتبه دهم جهانی قرار داده است.

د) ایران به دلیل موقعیت استراتژیکی ویژه، عبور جاده ابریشم و راه ادویه از نظر تجارت قدمت دارد.

ه) پیکره‌بندی طبیعی ایران، برخورداری از موقعیت دریایی و خشکی، وجود کوه‌های بلند، دشت‌های وسیع، سواحل گوناگون و بیابان‌های شگفت‌انگیز گردشگری زمین‌گردی (ژئوتوریسم) را ایجاد کرده است.

(مغرافیای ایران، توان‌های اقتصادی ایران، صفحه‌های ۱۰۲ تا ۱۰۴)

۱۲۳- گزینه «۲»

(راضیه ابراهیمی نژاد)

در نظام سیاسی فدرال، هر ایالت، علاوه بر وجود حکومت و نیروی تصمیم‌گیری در سطح ملی، قوه مقننه و مجریه و قضائیه مستقل نیز دارد. مجلس نمایندگان و سنا در مرکز کشور و مجلس ایالتی در هر ایالت مستقرند و قانون‌گذاری می‌کنند (رد گزینه «۱»). به همین سبب، برخی قوانین ایالت‌ها با یکدیگر متفاوت‌اند و هر ایالت در امور و برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی و اجتماعی خود به‌طور مستقل تصمیم‌گیری و عمل می‌کند. (رد گزینه‌های «۳» و «۴»)

در این نوع نظام سیاسی حکومت مرکزی نقش هماهنگ‌کننده و ارتباط دهنده ایالت‌ها را بر عهده دارد و ایالت‌ها در دفاع، سیاست خارجی و واحد پول ملی از حکومت مرکزی تبعیت می‌کنند. (تأیید گزینه «۲»)

(مغرافیا (۲)، کشور، یک تافیه سیاسی، صفحه‌های ۱۳۹ و ۱۴۰)

۱۲۴- گزینه «۴»

(فاطمه عزیزی)

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: راتزل اعتقاد داشت که موقعیت یک کشور در مجاورت یک دولت قوی یا ضعیف، بر سیاست و قدرت آن تأثیر می‌گذارد.

گزینه «۲»: برخی معتقدند نظریه هارتلند یا قدرت خشکی مکنیدر، در سیاست‌های جنگ‌طلبانه آلمان، هجوم این کشور به کشورهای مجاور و بروز جنگ‌های جهانی اول و دوم بی‌تأثیر نبوده است.

گزینه «۳»: آلفرد ماهان برای تبدیل شدن یک کشور به یک قدرت دریایی شش شرط پیشنهاد کرده بود؛ از جمله موقعیت جغرافیایی (مجاورت کشور با یک یا چند دریا برای حمل‌ونقل و کنترل راه‌های آبی مهم) و تعداد جمعیت (هرچه تعداد افراد کشور بیشتر باشد، در تأمین نیروی انسانی دریایی مؤثرتر است).

(مغرافیا (۲)، ژئوپلیتیک، صفحه‌های ۱۴۴ تا ۱۴۶)

۱۲۵- گزینه «۳»

(علیرضا پیرام)

- لهستان کشوری جمع‌وجور و فشرده است. ← قدرت ملی بیشتر

- لهستان موقعیت حائلی دارد و بین روسیه و آلمان قرار گرفته است. ← قدرت ملی کمتر

(مغرافیا (۲)، ژئوپلیتیک، صفحه‌های ۱۵۰ و ۱۵۱)



فلسفه یازدهم

۱۳۱- گزینه «۳»

ناطق بودن در نظر ارسطو به معنای برخورداری از قوه تفکر و تعقل است، نه صرف سخن گفتن. بنابراین گزینه «۳» درست است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: نطق را با سخن گفتن یکی گرفته است.
گزینه «۲»: هرچند قوه نطق از نظر ارسطو مربوط به نفس انسانی است، اما سؤال تصریح نکرده که موجود مذکور دارای نفس انسانی است.
گزینه «۴»: ملاک را دانش قرار داده، نه قوه تعقل. ضمناً دلیلی ندارد که سخن گفتن حتماً منجر به کسب دانش شود.

(فلسفه یازدهم، پیستی انسان (۱)، صفحه ۷۲)

۱۳۲- گزینه «۲»

پیچیده معرفی کردن بدن آدمی لزوماً به رویکرد انسان تک‌ساحتی اشاره ندارد؛ مثلاً رنه دکارت، همین توصیف را برای بدن انسان به کار می‌برد در حالی که او انسان را چندساحتی می‌داند. (رد گزینه ۱) بر اساس نگرش مشترک ماتریالیست‌ها و داروینیست‌ها چون تفاوت واقعی بین انسان و سایر حیوانات نیست نمی‌توان ارزش ویژه‌ای برای انسان قائل شد. رعایت اصول اخلاقی و فضایل صرفاً به سبب زیست اجتماعی است، نه فطرت و روح. (رد گزینه ۳) زیست‌شناسان مادی‌گرا و داروینیست‌ها، تفاوت انسان با سایر حیوانات را یک تفاوت «کمی» (یعنی در میزان پیچیدگی مغز و اندام‌ها) می‌دانند، نه یک تفاوت «کیفی» و ماهوی. از نظر آن‌ها، انسان تنها یک نسخه پیشرفته‌تر و پیچیده‌تر از حیوان است، نه موجودی با ماهیتی کاملاً متفاوت. (رد گزینه ۴)

(فلسفه یازدهم، پیستی انسان (۱)، صفحه‌های ۷۲ تا ۷۵)

۱۳۳- گزینه «۳»

کانت، وجود «وجدان اخلاقی» را به‌عنوان یک امر بدیهی و یک «واقعیت عقلانی» در انسان پیش‌فرض می‌گیرد. او وجدان اخلاقی را «اثبات» نمی‌کند، بلکه از وجود قطعی وجدان اخلاقی، به ضرورت وجود «اختیار» و «نفس غیرمادی» پی می‌برد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: منکران نفس (ماتریالیست‌ها) معتقد به تک‌ساحتی بودن انسان و اصالت ماده هستند، درحالی‌که دکارت و کانت هر دو به وجود بُعد غیرمادی در انسان (نفس/روح) اعتقاد دارند؛ بنابراین دیدگاه آن‌ها کاملاً در تضاد با یکدیگر است.

گزینه «۲»: از دیدگاه دکارت، بدن انسان یک سیستم کاملاً مادی و «ماشین‌گونه» است که دقیقاً مانند هر جسم مادی دیگری، تحت حاکمیت قوانین فیزیک (جبر فیزیکی) قرار دارد. اما نفس انسان، مجرد و آزاد است و از این قوانین تبعیت نمی‌کند.

گزینه «۴»: اگرچه دو جریان (اعتقاد به نفس و ماتریالیسم) در اروپا شکل گرفت، اما جریان مادی‌گرا به دلیل پیشرفت‌های علوم تجربی، به تدریج قدرت و نفوذ بیشتری یافت و جریان دیگر را به حاشیه راند؛ بنابراین از نظر قدرت تأثیرگذاری در یک سطح نبودند.

(فلسفه یازدهم، پیستی انسان (۱)، صفحه‌های ۷۳ و ۷۴)

۱۳۴- گزینه «۳»

(موسی سپاهی - سروان)

در حکمت اشراق سهروردی، تمایز میان موجودات نه بر پایه تفاوتشان با مفهوم «عدم»، بلکه بر پایه «شدت و ضعف نور» است. هرچه شدت نور یک موجود بیشتر باشد، از کمال و نزدیکی به مشرق برخوردارتر است و هرچه نور آن ضعیف‌تر شود، به ظلمت و دوری از حقیقت نزدیک‌تر می‌گردد. (رد

گزینه «۲» و تأیید گزینه «۳»)

علت رد سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: سهروردی می‌گفت خدا، یا همان نورالانوار، مشرق عالم است. بنابراین، هرچه موجود به سمت مشرق حرکت کند، به منبع نور نزدیک‌تر شده و بر شدت درخشش و کمال او افزوده می‌شود، نه اینکه کاسته شود.

گزینه «۴»: از نظر سهروردی، تفاوت موجودات ناشی از یک امر ذاتی و ماهوی جداگانه نیست، بلکه ناشی از همان شدت و ضعف در حقیقت نور است.

(فلسفه یازدهم، پیستی انسان (۲)، صفحه ۸۰)

۱۳۵- گزینه «۳»

(امیرمهر قلعه‌کاهی)

ابن‌سینا انسان را موجودی دوساحتی می‌داند. او معتقد است روح انسان که جنبه غیرمادی دارد توانایی کسب علم و ادراک مفاهیم کلی را دارد و می‌تواند امور متعالی همچون اخلاق، عشق، دوستی و... را در خود پدید آورد. ضمناً او بنا به همین خصلت غیرمادی روح جایگاهی بسیار رفیع در نظام خلقت برای آن قائل می‌شود.

(فلسفه یازدهم، پیستی انسان (۲)، صفحه‌های ۷۸ و ۷۹)

۱۳۶- گزینه «۴»

(فیروز نژادنهف - تبریز)

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: درست است که انسان ظرفیت بی‌نهایت دارد، اما حتماً به کمالات نمی‌رسد، بلکه باید با اختیار و اراده خود این ظرفیت را به فعلیت برساند.

گزینه «۲»: هویت انسانی انسان در ابتدای زندگی او نامشخص است و با زندگی کردن و گزینش‌های او هویتش مشخص می‌شود.

گزینه «۳»: این که روح هیچ محدودیتی ندارد درست نیست، بلکه روح هم یک ممکن‌الوجود است و تنها موجود بدون محدودیت خداست.

(فلسفه یازدهم، پیستی انسان (۲)، صفحه‌های ۸۱ و ۸۲)

۱۳۷- گزینه «۲»

(هواد پاکدل - فاروج)

گزاره‌ای که مختص به ملاصدراست، عبارت گزینه «۲» است که وی را از سایر فیلسوفان مسلمان ازجمله ابن‌سینا جدا می‌کند. سایر عبارت‌ها نیز گزاره‌های درستی در دستگاه فلسفی ملاصدرا محسوب می‌شوند، اما وجه متمایز نظر او در باب انسان نیستند و دیگر فلاسفه مسلمان هم به این گزاره‌ها معتقدند.

(فلسفه یازدهم، پیستی انسان (۲)، صفحه‌های ۷۸ تا ۸۱)



۱۳۸- گزینه «۲»

(موسی سپاهی - سراوان)

در دیدگاه ارسطو، «شرط لازم برای اینکه عقل بتواند مانع افراط و تفریط قوای دیگر شود، این است که خود عقل رشد کرده و به درجات مناسبی از معرفت دست یابد تا خودش دچار افراط و تفریط نشود.» درحالی‌که افلاطون، تنها به «فرمان و راهنمایی عقل» اشاره می‌کند و بر «رشد و رسیدن عقل به درجات معرفتی برای جلوگیری از خطای خود عقل» تأکیدی نکرده است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: افلاطون عقل را «فقط ابزار شناسایی سعادت» نمی‌داند، بلکه آن را «حاکم و فرمانده» می‌داند.

گزینه «۳»: ارسطو می‌گوید عقل باید «مانع افراط و تفریط شود»، که این خود نوعی مدیریت و هدایت است و نمی‌توان گفت او با «حکومت عقل» مخالف است؛ بلکه او تمرکزش را بر مفهوم «اعتدال» گذاشته است.

گزینه «۴»: ارسطو معتقد است سعادت در صورت «حضور در حد وسط و اعتدال تمام قوا» حاصل می‌شود، نه در صورت «خروج عقل از افراط».

(فلسفه یازدهم، انسان، موبد افلاق‌کرا، صفحه‌های ۸۶ و ۸۷)

۱۳۹- گزینه «۱»

(امیرمهر قلعه‌کاهی)

کانت دو نکته در باب فعل اخلاقی می‌گوید:

الف) تبعیت از وجدان در انجام فعل و نداشتن هیچ‌گونه هدف و منفعت شخصی

ب) عمل بر طبق قاعده‌ای که بتوانیم اراده کنیم که آن قاعده، قانون کلی و عمومی شود.

مورد «ب» بیان دیگری از قاعده «هرچه برای خود می‌پسندی، برای دیگران هم بپسند» است. ماتریالیست‌ها هم این قاعده را قبول دارند، اما دلیشان ضرورت زیست در میان دیگران است، نه تبعیت از وجدان.

(فلسفه یازدهم، انسان، موبد افلاق‌کرا، صفحه‌های ۸۸ و ۸۹)

۱۴۰- گزینه «۱»

(امیرمهر قلعه‌کاهی)

اطاعت از وظیفه وجدانی و عمل کردن طبق قاعده‌ای که بتوان اراده کرد قانون کلی و عمومی شود، در فلسفه اخلاق کانت درباره عمل خیر اخلاقی تصریح شده‌اند و پزشک بر همین اساس عمل کرده است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۲»: «تهور» حالت افراط قوه غضب است، نه حدوسط آن.

گزینه «۳»: ماتریالیست‌ها به تمایلات عالی و فضایل حقیقی در مورد انسان عقیده ندارند.

گزینه «۴»: عقل عملی در نظر فلاسفه مسلمان، رفتار خوب و بد را تشخیص می‌دهد؛ در نهایت اراده انسان بر تمایلات دانی او غلبه می‌کند، نه عقل عملی.

(فلسفه یازدهم، انسان، موبد افلاق‌کرا، صفحه‌های ۸۷ تا ۹۱)

منطق

۱۴۱- گزینه «۴»

(امیرمهر قلعه‌کاهی)

در گزینه «۴» چون که مدعی برای طرح خود دلیل ذکر کرده است، پس دارای مغالطه مسموم کردن چاه نمی‌باشد. این مغالطه زمانی رخ می‌دهد که فرد مدعی بدون ذکر دلیل صفات منفی به گروهی نسبت دهد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: برهان استدلالی است که در آن از مقدمات یقینی استفاده می‌شود؛ زیرا هدف آن رسیدن به حقیقت است، نه جلب نظر مردم با گزاره‌های مشهور.

گزینه «۲»: هدف فروشنندگان قانع کردن مشتری است، پس در فن خطابه بررسی می‌شود نه در جدل.

گزینه «۳»: بسیاری از انسان‌ها بیشتر تحت تأثیر احساسات هستند تا استدلال و نسبت‌گویی با ما در پذیرش یک نظر مؤثر است؛ برای مثال سخنان خوشاوندان و دوستان صمیمی از نظر روانی تأثیر بیشتری بر ما دارند.

(منطق، سنشگری در تفکر، صفحه‌های ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۷ و ۱۰۸)

۱۴۲- گزینه «۲»

(مهم قربانی)

تحلیل بخش اول سوال: (ویژگی متفکر نقاد)

در صورت سؤال ذکر شده که شخص به‌جای تمرکز بر «نتیجه نهایی»، بر «چگونگی رسیدن به نتیجه» تمرکز کرده است. این یعنی او خود «فرایند اندیشیدن» را موضوع تحقیق قرار داده است. «جدی گرفتن فرایند تفکر» به این معناست که متفکر نقاد صرفاً به خروجی‌ها توجه نمی‌کند، بلکه مسیری که ذهن برای رسیدن به آن خروجی طی کرده است را با دقت بررسی می‌کند.

تحلیل بخش دوم سوال: (بخش استدلال)

سؤال کلیدی شخص این است: «آیا این نتیجه، تنها خروجی منطقی این آمارهاست؟» این پرسش مستقیماً به نحوه چیدمان و رابطه منطقی مقدمات با نتیجه بازمی‌گردد.

(منطق، سنشگری در تفکر، صفحه‌های ۹۸ و ۹۹)

۱۴۳- گزینه «۲»

(کتاب آبی پیمان‌های)

گاهی در بحث با دیگران تنها در پی غلبه بر آن‌ها هستیم. به‌عنوان مثال در جریان یک مناظره تلویزیونی، طرفین در پی اقناع یکدیگر نیستند؛ بلکه هدف آن‌ها شکست دادن طرف مقابل است. بدین جهت هدف آن‌ها بیان استدلال‌هایی است که در مقابل آن‌ها، طرف مقابل حرفی برای گفتن نداشته باشد و مجبور به پذیرش نتایج آن‌ها و یا اعتراف به شکست شود. بدین ترتیب کسانی که شاهد این مناظره هستند، به فرد پیروز گرایش پیدا می‌کنند. در گذشته این‌گونه استدلال‌ها را در فن «جدل» بررسی می‌کردند. در سایر گزینه‌ها مغالطاتی ذکر شده است که در این سخن وجود ندارد.

(منطق، سنشگری در تفکر، صفحه‌های ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۸، ۱۰۹ و ۱۱۱)

۱۴۴- گزینه «۳»

(مهم قربانی)

در هر سه جمله، یک اتفاق واحد در جهان واقع رخ داده است: «شخصی برای گرفتن حق خود پایداری کرده و در نهایت موفق شده است.» از نظر گزارشی واقعیت، هر سه جمله حامل یک پیام خبری واحد هستند. بنابراین «معنای اصلی» یا همان «واقعۀ فیزیکی» در هر سه یکسان است.



تفاوت این سه جمله در واژگانی است که بار روانی متفاوتی به مخاطب القا می‌کند: «پافشاری»: معمولاً بار ارزشی مثبت دارد و نشان‌دهنده استقامت، اراده و تحسین‌برانگیز بودن عمل است.

«اصرار»: بار ارزشی خنثی یا متمایل به مثبت دارد و صرفاً بر تکرار یک خواسته تأکید می‌کند بدون اینکه قضاوت تندی همراه داشته باشد. «لجاجت»: بار ارزشی منفی دارد. با استفاده از این کلمه، گوینده به مخاطب القا می‌کند که عمل گرفتن حق، همراه با رفتاری ناپسند بوده است. (منطق، سنه‌نگری در تفکر، صفحه‌های ۱۰۵ و ۱۰۶)

۱۴۵- گزینه ۲»

بی‌نظمی و شلختگی گوینده و میزان تأثیر سخنان او بر مخاطبان می‌تواند منجر به شکل‌گیری «مغالطه بر اثر عوامل روانی» بشود. مثال: «چون آن شخص لباس‌هایی مندرس و ژولیده به تن داشت، مردم به او کمک مالی کردند.»

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «نتیجه درست برای یک استدلال لزوماً از مقدمات درست به دست نمی‌آید. مثال:

مقدمه اول: هر اسبی پرنده است. (کاذب)

مقدمه دوم: هر پرنده‌ای پستاندار است. (کاذب)

نتیجه: پس هر اسبی پستاندار است. (صادق)

گزینه ۲: «کلمات مترادف با توجه به تفاوت بار ارزشی می‌توانند مغالطه «بار ارزشی کلمات» ایجاد کنند.

گزینه ۳: «مغالطه «مسموم کردن چاه» مغالطه‌ای مربوط به محتوای استدلال است نه ساختار و صورت.

(منطق، سنه‌نگری در تفکر، صفحه‌های ۱۰۵ تا ۱۱۰)

۱۴۶- گزینه ۳»

یکی از مهم‌ترین مهارت‌ها در تفکر نقادانه، توانایی تفکیک «محتوای استدلال» از «بار روانی کلمات» است. کلمات با بار ارزشی مثبت یا منفی می‌توانند احساسات ما (مانند ترس، خشم، یا همدلی) را فعال کنند و مانع از تصمیم‌گیری منطقی شوند. یک متفکر نقاد، احساسات ناشی از کلمات گوینده را کنار می‌زند تا بخش منطقی و استدلالی سخن را به‌صورت بی‌طرفانه ارزیابی کند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: پذیرش بی‌چون‌وچرا به دلیل «شهرت و تخصص»، نمونه‌ای از فریب خوردن توسط «عوامل روانی» است. در تفکر نقادانه، سخن هر کس، حتی یک متخصص، باید بر اساس شواهد و استدلال ارزیابی شود، نه صرفاً به‌خاطر جایگاه و پرستیژ او.

گزینه ۲: این رفتار مصداق مغالطه «مسموم کردن چاه» است. اخلاق، رفتار یا ویژگی‌های شخصیتی یک مخترع (مانند تندخو بودن)، ربط منطقی به صحت یا سقم کشف علمی او ندارد. رد کردن یک حرف به‌خاطر ویژگی‌های منفی گوینده، خطای شناختی و مغالطه است.

گزینه ۴: هدف تفکر نقادانه «کشف حقیقت» است، نه «هیچ‌گیری» و «شکست دادن رقیب». تلاش برای یافتن نقاط ضعف رقیب با نیت پیروزی در مناظره، ویژگی «جدل» است و با روح حقیقت‌جویی و منصفانه‌بودن تفکر نقادانه مغایرت دارد.

(منطق، سنه‌نگری در تفکر، صفحه‌های ۹۹ و ۱۰۳ تا ۱۰۸)

۱۴۷- گزینه ۴»

بررسی گزاره‌ها:

گزاره اول: «انسان ذره‌ای وجدان داشته باشد، می‌داند که نباید یک مادر را زندانی کرد.»

شاید در نگاه اول بگویید که چون به طرف مقابل ویژگی دارای وجدان بودن می‌دهد و طرف مقابل را به قبول حرف خود دعوت می‌کند؛ پس مغالطه تله‌گذاری است؛ اما تله‌گذاری نیست!

در مغالطه تله‌گذاری صفتی خوب و شایسته را بدون ذکر دلیل به نظریه‌ای یا معتقدان به آن نسبت می‌دهیم. اما در اینجا شخص درواقع «ذره‌ای وجدان داشتن» را از مخالفان خود سلب می‌کند و «نداشتن ذره‌ای وجدان» ویژگی بد و ناشایستی است. پس در اینجا مغالطه مسموم کردن چاه داریم.

گزاره دوم: با عقل و درایتی که دارید حتماً نظر خود را تغییر می‌دهید.

طرف مقابل بعد از شنیدن این جمله ممکن است نظر خود را تغییر دهد؛ چرا که عقل و درایت داشتن یک ویژگی مثبت است؛ پس اینجا مغالطه تله‌گذاری داریم.

(منطق، سنه‌نگری در تفکر، صفحه‌های ۱۰۸ و ۱۰۹)

۱۴۸- گزینه ۱»

مغالطه بزرگ‌نمایی و کوچک‌نمایی بر پایه «تمرکززدایی و هدایت توجه» است. در این مغالطه، گوینده لزوماً دروغ نمی‌گوید، بلکه با برجسته کردن بزرگ جلوه‌دادن یک بخش از واقعیت (بزرگ‌نمایی) و کم‌رنگ یا پنهان کردن بخش دیگر (کوچک‌نمایی)، ذهن مخاطب را به سمتی که می‌خواهد هدایت می‌کند تا از کل واقعیت غافل شود.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۲: «قید «صرفاً» این گزینه را نادرست کرده است. اگرچه تغییر فونت، تغییر سایز کلمات یا بالا و پایین بردن تن صدا در رسانه‌ها از ابزارهای رایج این مغالطه هستند، اما این خطا می‌تواند بدون به‌کارگیری ابزارهای حسی و تنها از طریق «نحوه چیدمان اخبار»، «تغییر لحن» یا «گزینش بخشی از آمار» نیز رخ دهد.

مثال: قراردادن خبر «شکستن شیشه یک مغازه» در صدر اخبار روز، و درج خبر «کاهش تورم کشور» در انتهای صفحه.

گزینه ۳: در مغالطه بزرگ‌نمایی و کوچک‌نمایی، اطلاعات ارائه‌شده لزوماً کذب و دروغ نیستند؛ بلکه مشکل در «وزن‌دهی ناعادلانه» به اطلاعات است. به عبارت دیگر، واقعیاتی بیان می‌شوند، اما نسبت و مقیاس آن‌ها رعایت نمی‌شود.

گزینه ۴: این مغالطه دوطرفه است؛ همان‌طور که ممکن است برای پنهان کردن عیوب (کوچک‌نمایی) به کار رود، می‌تواند برای بیش از حد نشان دادن و اغراق در محاسن و نقاط قوت ناچیز (بزرگ‌نمایی) نیز استفاده شود. مثال:

بزرگ‌نمایی: معرفی کردن تماشای چند فیلم زبان اصلی به‌عنوان «تسلط کامل به زبان انگلیسی» در رزومه.

کوچک‌نمایی: توصیف کردن تصادف شدید با خودروی شخصی به‌عنوان «یک خط‌وخش جزئی روی بدنه ماشین»

(منطق، سنه‌نگری در تفکر، صفحه ۱۱۱)

۱۴۹- گزینه ۳»

همه کلمات به‌کاررفته در این گزینه خنثی هستند و بار ارزشی مثبت و منفی ندارند.

(فره‌ار قاسمی‌نژاد)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «عمرش را به شما دادن» دارای بار ارزشی مثبت است.
گزینه «۲»: «در قید حیات نبودن» دارای بار ارزشی مثبت است.
گزینه «۴»: «شهیدشدن» دارای بار ارزشی مثبت است.
(منطق، سنهشگری در تفکر، صفحه‌های ۱۰۵ و ۱۰۶)

۱۵۰- گزینه «۴»

مغالطه‌ای در گزینه «۴» وجود ندارد.
تشریح سایر گزینه‌ها:
گزینه‌های «۱ و ۲»: از طریق ایجاد حس ترس مغالطه توسل به احساسات را دنبال می‌کنند.
گزینه «۳»: حس خودخواهی و نیاز به جلب توجه دیگران در این عبارت مرتبط با مغالطه توسل به احساسات است.
(منطق، سنهشگری در تفکر، صفحه‌های ۱۰۹ و ۱۱۰)

فلسفه دوازدهم

۱۵۱- گزینه «۴»

بنا بر اصل سنخیت علی و معلولی، هر علت معلول خاص خود را دارد و این گونه نیست که علتی خاص به چیزهایی مختلف وجود ببخشد.
بررسی سایر گزینه‌ها:
گزینه «۱»: رابطه علت بر علت بنا شده و علت است که معلول را به وجود می‌آورد و در نتیجه تا قبل از علت، رابطه علت نیز وجود ندارد.
گزینه «۲»: اگر علت باشد، معلول هم خواهد بود.
گزینه «۳»: اگر علت نباشد، معلول نیز نخواهد بود.
(فلسفه دوازدهم، جهان علی و معلولی، صفحه‌های ۱۴، ۱۵ و ۱۸)

۱۵۲- گزینه «۳»

از نظر فلاسفه مسلمان، با اینکه کشف علل امور طبیعی از طریق حس و تجربه صورت می‌گیرد، اما خود اصل علت از این طریق به دست نمی‌آید. از نظر این فیلسوفان، پس از شکل‌گیری ذهن و درک اصل امتناع اجتماع نقیضین است که وقتی کودک صیادی را می‌شنود یا حرکتی را مشاهده می‌کند، به دنبال منشأ صدا و عامل حرکت برمی‌آید.
(فلسفه دوازدهم، جهان علی و معلولی، صفحه‌های ۱۷ و ۱۸)

۱۵۳- گزینه «۲»

در نحوه حصول اصل علت، دکارت معتقد به فطری‌بودن آن است و فیلسوفان مسلمان مخالف فطری‌بودن آن هستند. (رد گزینه «۱») فیلسوفان تجربه‌گرا بر خلاف عقل‌گرایان، به اصلی فطری‌باور ندارند، و بر خلاف فیلسوفان مسلمان، خود تجربه را مبتنی بر اصول عقلی نمی‌بینند. (رد گزینه‌های «۳» و «۴») علت نیز از این قاعده مستثنی نیست؛ دیوید هیوم، فیلسوف تجربه‌گرا، علت را حاصل وهمی می‌داند که از مشاهده تکرار توالی پدیده‌ها حاصل شده است.
(فلسفه دوازدهم، جهان علی و معلولی، صفحه‌های ۱۵ تا ۱۸)

۱۵۴- گزینه «۱»

هم کانت، هم هیوم و هم فلاسفه مسلمان معتقدند که علت را نمی‌توان از طریق حواس شناخت و علت در حس و تجربه مکشوف نیست. حال تفاوتشان این است که یکی آن را مفهومی پیشینی می‌داند (کانت)، یکی حکم کلی درباره آن را ناشی از عادات ذهنی می‌داند (هیوم) و یکی آن را اصلی عقلی می‌داند (فیلسوفان مسلمان).
(فلسفه دوازدهم، جهان علی و معلولی، صفحه‌های ۱۶ و ۱۷)

۱۵۵- گزینه «۱»

هم فیلسوفان مسلمان و هم دیوید هیوم و هم حتی عقل‌گرایان، منکر این نیستند که مصادیق آن چه علت خوانده می‌شود، در تجربه مشاهده می‌شوند؛ مثلاً بر کسی پوشیده نیست که «طلوع خورشید» و «روشن‌شدن زمین» که نزد همگان از مصادیق علت به حساب می‌آید، با حواس انسان مشاهده می‌شود و کسی از فلاسفه آن‌چنان بر سر مصادیق این اصل اختلافی ندارد، بلکه اختلاف بر سر اصل و ریشه و ماهیت چیزی است که علت خوانده می‌شود.

این سخن که «علت در تمامی حالات ذهن در آن حضور دارد.» به همین معنی است که باید اصلی فطری باشد و از قبل در ذهن حضور داشته باشد و بنابراین مورد تأیید دکارت و مورد انکار فیلسوفان مسلمان است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: یک فیلسوف تجربه‌گرا چون حس و تجربه را تنها راه حصول شناخت می‌داند و تجربه نیز از اساس به استقرا گره خورده و استقرا نیز هیچ‌گاه ضرورت را اثبات نمی‌کند، بنابراین نخواهد توانست که ضرورت هیچ اصلی را اثبات کند و بنابراین مورد اول این گزینه، محل اختلاف هیوم و فیلسوفان اسلامی است. - اینکه برای علت نمی‌توان برهان عقلی اقامه کرد با دیدگاه دکارت منطبق است، زیرا او درک ما از علت را فطری می‌دانست، اما فیلسوفان مسلمان با آن مخالفاند.

گزینه «۳»: اینکه اصل علت حس و تجربی نیست و به وسیله حواس اثبات نمی‌شود هم مورد قبول هیوم و هم فیلسوفان اسلامی است. - اینکه اصل علت مقدمه هر آموزش و تجربه‌ای است هم مورد قبول دکارت و فیلسوفان عقل‌گرای دیگر و هم سنخ او و هم مورد قبول عموم فیلسوفان مسلمان است.

گزینه «۴»: مورد اول این گزینه فقط مورد قبول دیوید هیوم است و حتی سایر تجربه‌گرایان اولیه نیز با آن موافق نیستند، چه رسد به فیلسوفان اسلامی! - از نظر فیلسوفان مسلمان درک انسان از علت فطری نیست.

(فلسفه دوازدهم، جهان علی و معلولی، صفحه‌های ۱۶ تا ۱۸)

۱۵۶- گزینه «۱»

دکارت درک علت را از طریق تعقل نمی‌دانست بلکه آن را از معرفت‌های ذاتی و فطری عقل می‌دانست که بدون نیاز به تعقل فهمیده می‌شود. فیلسوفان تجربه‌گرا هیچ اصلی را مبتنی بر تعقل محض نمی‌پذیرفتند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: این دیدگاه مشترک بین فیلسوفان مسلمان، هیوم و دکارت است. گزینه «۳»: فیلسوفان مسلمان نمی‌گویند با استدلال صرف نمی‌توان مصادیق علت را شناخت بلکه مصادیق این رابطه در عالم طبیعت این گونه‌اند.

گزینه «۴»: این دیدگاه را دکارت هم قبول دارد.

(فلسفه دوازدهم، جهان علی و معلولی، صفحه‌های ۱۵ تا ۱۸)

۱۵۷- گزینه «۴»

فیلسوفان مسلمان ادراک رابطه علت را کار عقل می‌دانند و معتقدند که این رابطه در حس مکشوف نیست. اما یافتن و تشخیص مصادیق آن در عالم طبیعت نیازمند حس و تجربه است و مشاهده را در آن مؤثر می‌دانند.

علل رد سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: تجربه‌گرایان حس و تجربه را مبنای حکم به رابطه علت می‌دانند.

گزینه «۲»: از منظر دکارت انسان از اصل علت درک فطری دارد، اما یافتن مصادیق علت و معلول نیازمند تجربه و آموزش است.

گزینه «۳»: ادراک انسان از رابطه علت از منظر هیوم چیزی جز یک امر روانی ناشی از توالی پدیده‌ها نیست.

(فلسفه دوازدهم، جهان علی و معلولی، صفحه‌های ۱۶ تا ۱۸)

(همید سوریان)

(سپا پیغرزاده صابری)



اقتصاد

۱۶۱- گزینه ۱

(مهری کرادران)

می‌توان مراحل بودجه‌بندی را در چهار مرحله زیر خلاصه کرد.

- ۱- از هر منبعی که درآمدی به‌دست آوردید آن درآمد را ماهیانه مشخص کنید و بنویسید.
- ۲- هزینه‌های متغیر و ثابت خود را به‌صورت ماهیانه فهرست کنید.
- ۳- مجموع درآمدها و هزینه‌های خود را ماهیانه با یکدیگر مقایسه کنید.
- ۴- اگر هزینه‌ها بیشتر از درآمد بود، مخارج غیرضروری را کم کنید یا فرصت‌هایی را که فراموش کردید، به‌نظر آورید تا درآمدها افزایش یابد.

(اقتصاد، بودجه‌بندی، صفحه ۱۳۷)

۱۶۲- گزینه ۴

(کتاب آبی پیمانه‌ای - کنگور فارغ از کشور ۱۴۰۳، با تغییر)

تعریف مسئله: سهراب می‌خواهد برای شرکت در مسابقه، کفش ورزشی بخرد. (مشکل: نیاز به کفش مناسب دویدن)
فهرست گزینه‌ها: او از معلمش مشورت می‌گیرد و فروشگاه‌هایی به او معرفی می‌شوند. ← گزینه‌ها را جمع‌آوری می‌کند.
تعیین معیارها: می‌داند که رنگ، سایز، شرکت سازنده و گارانتی برایش مهم است. ← این‌ها معیارهایش هستند.
تصمیم‌گیری: از بین گزینه‌ها، فروشگاه‌ای را که گارانتی دارد انتخاب می‌کند و خرید می‌کند.

(اقتصاد، تصمیم‌گیری در مقارن، صفحه ۱۴۴)

۱۶۳- گزینه ۲

(کتاب تاک - کنگور فارغ از کشور ۱۴۰۳)

الف) صحیح است؛ سالیانه حدود $\frac{1}{3}$ میلیارد تن از مواد غذایی تولید شده برای مصرف انسان در جهان دور ریخته می‌شود. این مقدار، یک سوم کل محصول غلات جهان را شامل می‌شود. در نتیجه خواهیم داشت:
میلیارد تن $\frac{1}{3} \times \frac{3}{3} = \frac{1}{3} \times 3 = 1$ کل محصول غلات جهان
ب) غلط است؛ براساس گزارش فائو - سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد - سالیانه حدود $\frac{1}{3}$ میلیارد تن از مواد غذایی تولید شده برای مصرف انسان در جهان دور ریخته می‌شود.
ج) صحیح است؛ سالیانه حدود $\frac{1}{3}$ میلیارد تن از مواد غذایی تولید شده برای مصرف انسان در جهان دور ریخته می‌شود.
د) غلط است؛ بعضی گزارش‌ها نشان از آن دارد که در ایران اتلاف مواد غذایی بسیار فراتر از متوسط جهانی است.

(اقتصاد، تصمیم‌گیری در مقارن، صفحه ۱۴۸)

۱۶۴- گزینه ۱

(احسان عالی‌نژاد)

بررسی گزینه‌ها:

گزینه ۱: مزایا - معایب

گزینه ۲: معایب - معایب - مزایا

گزینه ۳: مزایا - معایب - مزایا

گزینه ۴: مزایا - مزایا - مزایا

(اقتصاد، تصمیم‌گیری در مقارن، صفحه ۱۴۶)

۱۶۵- گزینه ۴

(مهری ضیائی)

قناعت داشتن و ساده‌زیستی به فرد کمک می‌کند تا بخشی از درآمد خود را برای مصارف مهم‌تر پس‌انداز کند و همچنین با آرامش روحی و روانی، انتخاب اقتصادی مناسبی را در زندگی تجربه کند.

۱۵۸- گزینه ۲

(کتاب آبی پیمانه‌ای)

معلول با قطع نظر از علت، صرفاً «امکان ذاتی» دارد؛ یعنی ذات و ماهیتش نسبت به وجود و عدم حالت تساوی دارد. با آمدن علت، وجود معلول ضرورت می‌یابد و موجود می‌شود. یعنی اگر علت نباشد و معلول صرفاً امکان ذاتی داشته باشد، برای ضرورت یافتن وجود آن کافی نیست.
حال در عبارت گزینه ۲ «گفته شده است که همین حالت امکان ذاتی برای تحقق معلول کافی است که عبارتی نادرست و مغایر با وجوب علی و معلولی است.

رد سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «مغایر با اصل علیت

گزینه ۳: «مغایر با سنخیت میان علت و معلول

گزینه ۴: «در راستای وجوب علی و معلولی است، نه مغایر با آن.

(فلسفه دوازدهم، همان علی و معلولی، صفحه‌های ۱۸ و ۲۰)

۱۵۹- گزینه ۲

(کتاب آبی پیمانه‌ای)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «اصل علیت از طریق اصل سنخیت اثبات نمی‌شود؛ بلکه بر اساس اصل امتناع اجتماع نقیضین ثابت می‌شود.

گزینه ۳: «آثار ویژه اشیا و پدیده‌ها را باید از طریق تجربه شناخت.

گزینه ۴: «شناخت معلول‌های مخصوص هر علت بر عهده تجربه است.

(فلسفه دوازدهم، همان علی و معلولی، صفحه‌های ۱۸ و ۱۹)

۱۶۰- گزینه ۴

(کتاب آبی پیمانه‌ای - کنگور سراسری ۱۴۰۳، نوبت اول)

بر اساس اصل وجوب علی و معلولی باید گفت که اگر علت یک پدیده موجود باشد، معلول آن نیز ضرورتاً و قطعاً وجود خواهد داشت و اگر معلولی وجود داشته باشد، علت آن نیز ضرورتاً موجود است و محال است خلاف این باشد. بنابراین گزینه ۴ «جواب صحیح تست خواهد بود.

نکته: قید «پس از» در گزینه ۱ «موجب غلط شدن این گزینه شده است. چون به لحاظ فلسفی، از نظر زمانی فاصله‌ای میان وجود یافتن علت با معلول آن وجود ندارد و نمی‌شود گفت که معلول پس از علت وجود می‌یابد.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه ۲: «هر جزئی از اجزای جهان به دیگر اجزا نیازمند نیست. این نیازمندی میان علت و معلول برقرار است و این‌طور نیست که در جهان هر عضوی با اعضای دیگر چنین رابطه‌ای داشته باشد.

گزینه ۳: «مساوی بودن ماهیت ممکنات نسبت به وجود و عدم ربطی به اصل وجوب علی و معلولی ندارد.

(فلسفه دوازدهم، همان علی و معلولی، صفحه‌های ۱۸ و ۲۰)



بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: نادرست است؛ افراد مصرف‌گرا آرامش و لذت را در خرج کردن، استفاده بیشتر از کالاها و حتی به رخ کشیدن آن می‌بینند، نه در پس‌انداز کردن و برنامه‌ریزی اقتصادی.

گزینه «۲»: نادرست است؛ اگر فرد بخواهد با دیگران در میزان خرج کردن و مصرف کردن رقابت کند، «همواره در رنج نرسیدن باقی می‌ماند» و به آرامش بیشتری دست نمی‌یابد.

گزینه «۳»: نادرست است؛ قناعت به معنای تلاش نکردن در راه توسعه اقتصادی زندگی نیست؛ بلکه به معنای ترک حرص و طمع و رضایت درونی از نعمت‌هایی است که خداوند در اختیار انسان قرار داده است.

(اقتصاد، تصمیم‌گیری در مقارن، صفحه‌های ۱۳۶ و ۱۳۷)

۱۶۶- گزینه «۱»

(مهری ضیائی)

فروشنده‌گان ممکن است برای تحریک و تشویق خریداران به خرید کالا و خدمات از روش‌هایی مانند تبلیغات کاذب، بزرگ‌نمایی، قسم خوردن و ارائه اطلاعات نادرست استفاده کنند.

الف: فروشنده با بیان اینکه «این محصول فقط در یک هفته، تمام لک‌های صورت را از بین می‌برد»، ادعایی غیرواقعی و فریبنده مطرح می‌کند؛ بنابراین به تبلیغات کاذب اشاره دارد.

ب: استفاده از عبارت «به خدا...» نمونه‌ای از قسم خوردن برای جلب اعتماد مشتری است.

ج: بیان نادرست درباره کشور سازنده کالا، مصداق ارائه اطلاعات نادرست است.

(اقتصاد، تصمیم‌گیری در مقارن، صفحه ۱۳۶)

۱۶۷- گزینه «۳»

(مهمربسین متولی)

جملات «ج» و «د» صحیح و جملات «الف» و «ب» نادرست می‌باشند.

تشریح عبارات نادرست:

الف) بانک‌ها دو نوع حساب سرمایه‌گذاری دارند که عبارتند از حساب سپرده‌گذاری بلندمدت و حساب سپرده‌گذاری کوتاه‌مدت.

ب) در حساب سپرده‌گذاری کوتاه‌مدت، واریز به حساب و برداشت از آن آزاد است و بانک در هر ماه به مانده موجودی حساب، سود پرداخت می‌کند.

(اقتصاد، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، صفحه‌های ۱۵۴ و ۱۵۵)

۱۶۸- گزینه «۲»

(آفرین ساپری)

الف)
$$\frac{\text{کل سرمایه فرد}}{\text{قیمت هر ورق سهم}} = \text{تعداد سهام خریداری شده}$$

برگه سهم
$$= \frac{۳۰۰,۰۰۰,۰۰۰}{۶۰,۰۰۰} = ۵۰۰۰$$
 = تعداد سهام خریداری شده

ب) برای به‌دست آوردن قیمت بازاری، باید مقدار افزایش قیمت سهام را با قیمت اولیه (اسمی) آن جمع کنیم:

تومان
$$= ۲۱,۰۰۰ = ۶۰,۰۰۰ \times \frac{۳۵}{۱۰۰}$$
 = مقدار سود هر ورقه سهم

تومان
$$= ۸۱,۰۰۰ = ۶۰,۰۰۰ + ۲۱,۰۰۰$$
 = قیمت بازاری هر ورقه سهم

ج) برای محاسبه مقدار خمس، ابتدا باید سود آقای احمدی از خرید و فروش سهام را به‌دست بیاوریم، سپس هزینه‌ها را از آن کم کنیم تا درآمد مشمول خمس مشخص گردد:

قیمت بازاری هر سهم $\times$ تعداد سهام فروخته شده = ارزش سهام فروخته شده
میلیون تومان $۴۰۵ = ۴۰۵,۰۰۰,۰۰۰ = ۵,۰۰۰ \times ۸۱,۰۰۰$

سود حاصل از خرید و فروش سهام

ارزش سهام خریداری شده - ارزش سهام فروخته شده =

میلیون تومان $۱۰۵ = ۴۰۵ - ۳۰۰$

میلیون تومان $۲۵ = ۱۰۵ - ۸۰$ = درآمد مشمول خمس

میلیون تومان $۵ = ۲۵ \times \frac{۱}{۵}$ = خمس پرداختی

(اقتصاد، ترکیبی، صفحه‌های ۱۳۸ و ۱۵۶)

۱۶۹- گزینه «۳»

(سارا شریفی)

الف) این فرد برای مخارج خدمات منزل (۱/۷۵ میلیون تومان) کمتر از سایر مخارج خود، هزینه کرده است.

ب)

$$\frac{۶}{۱۲} + \frac{۳}{۲} + \frac{۷}{۱۵} + \frac{۳}{۱۵} + \frac{۵}{۶} = \text{مجموع مخارج سالانه فرد}$$

میلیون تومان $۳۶ = ۶/۰۷ + ۱/۷۵ + ۳/۵۶$

درصد $۲۰ = \frac{۷/۲}{۳۶} \times ۱۰۰$ = درصد مخارج سالانه صرف شده برای غذا و پوشاک

ج)

میلیون تومان $۳۶ = \text{مجموع مخارج سالانه فرد}$

میلیون تومان $۴۵ = \text{درآمد سالانه فرد}$

میلیون تومان $۹ = ۴۵ - ۳۶$ = پس‌انداز سالانه فرد

د)

$$\frac{\text{مجموع مخارج سالانه فرد}}{\text{درآمد سالانه فرد}} \times ۱۰۰ = \text{میزان خرج از بودجه فرد}$$

درصد $۸۰ = \frac{۳۶}{۴۵} \times ۱۰۰$

(اقتصاد، بودجه‌بندی، صفحه‌های ۱۳۳ تا ۱۳۶)

۱۷۰- گزینه «۱»

(سارا شریفی)

هزار تومان $۱۸۰ = ۵۰۰ - ۳۲۰$ = میزان پس‌انداز ماهانه فرد

$$\frac{۳,۶۰۰,۰۰۰}{۱۸۰,۰۰۰} = \text{میزان زمان لازم برای برابر شدن میزان پس‌انداز با قیمت دوچرخه}$$

ماه $۲۰ =$

هر سال، معادل ۱۲ ماه است، در نتیجه فرد باید معادل ۱ سال و ۸ ماه

پس‌انداز کند. تا بتواند دوچرخه را بخرد همچنین چون زمان رسیدن به

هدف ۲ ماه تا ۳ سال است در نتیجه هدف وی میان مدت است.

(اقتصاد، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، صفحه‌های ۱۵۲ و ۱۵۳)



پاسخنامه

دوازدهم علوم و معارف اسلامی

۲۷ شهریور ماه ۱۴۰۵

ایران توننده
بنیاد علمی آموزشی قلم چی (وقف عام)

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب بین صبا و فلسطین پلاک ۹۲۳ - بنیاد علمی آموزشی قلم چی (وقف عام)

۰۲۱-۶۴۶۳

«تمام دارایی‌ها و درآمدهای بنیاد علمی آموزشی قلم چی وقف عام است بر گسترش دانش و آموزش»



عربی زبان قرآن (۲)

۱۷۱- گزینۀ «۱»

«أَذْكُرُوا» یاد (ذکر) کنید (رد گزینۀ ۴) / «نِعْمَةُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ»: نعمت خدا را بر خود (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / «إِذْ»: آنگاه، زمانی که / «كُنْتُمْ أَعْدَاءُ»: دشمن بودید (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / «أَلْفٌ»: انیس (الفت) ایجاد کرد / «بَيْنَ قُلُوبِكُمْ»: میان دل‌هایتان (قلب‌هایتان) / «أَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا»: به نعمت او برادر شدید (رد گزینه‌های ۳ و ۴)

(ترجمه)

۱۷۲- گزینۀ «۱»

«إِنْ» بی‌گمان، همانا / «الْمُؤَقِنَ الَّذِينَ...»: معلولانی که ...، جانبازانی که ... (رد گزینۀ ۲) / «حَصَلُوا عَلَى» به ... دست یافتند / «نَجَاحَاتٍ حَيَّةٍ»: موفقیت‌های (پیروزی‌های) خوبی / «قَدْ تَحَمَّلُوا»: تحمل کرده‌اند (فعل ماضی ← رد گزینۀ ۳) / «مَشَقَّاتٍ كَثِيرَةٍ»: سختی‌های زیادی / «فِي حَيَاتِهِمْ»: در زندگی خود، در زندگی‌شان (رد گزینۀ ۴) / «لَأَنْ» زیرا / «كَانَتْ لَهُمْ»: داشتند (رد گزینه‌های ۳ و ۴)

تکته مهم درسی:

ترکیب «كَانَ + لَ» به معنای «داشت» است.

(ترجمه)

۱۷۳- گزینۀ «۳»

«مَنْ فَكَّ ... أَوْ رَحِمَ ...، فَقَدْ أَحْيَا ...»: (در جمله‌های شرطی، می‌توانیم فعل ماضی را به صورت ماضی یا مضارع ترجمه کنیم) هر کس ... آزاد کند یا ... رحم نماید، زنده کرده است (رد گزینۀ ۲) / «عَزِيزًا ذَلَّ»: (اسم نکره + جمله وصفیه) انسان عزتمندی که خوار شده است (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / «أَمْلًا عَظِيمًا»: امید بزرگی (رد گزینۀ ۲) / «لَا يَضِيعُ»: (فعل مضارع منفی) ضایع نمی‌شود (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «يَبْقَى»: باقی می‌ماند (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «إِلَى الْأَبَدِ»: تا ابد (رد گزینۀ ۲؛ در جای نامناسبی ترجمه شده است)

(ترجمه)

۱۷۴- گزینۀ «۴»

در گزینۀ «۴» خطایی وجود ندارد؛ «يَعْنِيَانِ» جمله وصفیه است و هرگاه جمله وصفیه مضارع باشد و در عبارت قبل از آن فعل ماضی بیاید، معمولاً این فعل مضارع، به صورت «ماضی استمراری» ترجمه می‌شود.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینۀ «۱»: «الشلل الدماغي» به معنای «فلج مغزی» است.
گزینۀ «۲»: در ترجمه، «از قوی‌ترین مردم» آمده که «از» در عبارت عربی معادلی ندارد، ضمن اینکه «فليتوكل» به معنای «پس باید توکل کند» است، زیرا لام امر بر سر فعل مضارع آمده است و معنای «باید» دارد.
گزینۀ «۳»: «می‌تواند» در ترجمۀ فارسی اضافی است و معادلی در عبارت عربی داده شده ندارد.

(ترجمه)

۱۷۵- گزینۀ «۲»

«دانشی آموزان باید بدانند»: ليعلم الطلاب، الطلاب ليعلموا (گزینۀ «۴» نادرست است، زیرا فعل به صورت مؤنث آمده است و در گزینۀ «۱» هم «يفهم» معادل مناسبی نیست.) / «آزمون‌ها»: الامتحانات / «یادگیری دروس»: تعلم الدروس (رد گزینۀ ۳) / «از آن»: منها (رد سایر گزینه‌ها)

تکته مهم درسی:

هرگاه مرجع ضمیر، جمع غیرانسان باشد، ضمیر به صورت مفرد مؤنث (هی، ها) می‌آید؛ در این جا «از آن = منها»، زیرا «آن» به «امتحانات» برمی‌گردد. (تعریب)

۱۷۶- گزینۀ «۲»

با توجه به ترجمۀ آیه شریفه در صورت سؤال (مؤمنان باید بر خداوند توکل کنند)، درمی‌یابیم گزینۀ «۲» که بر توکل به خدا تأکید می‌کند، با آن تناسب مفهومی بیشتری دارد.

(مفهوم)

۱۷۷- گزینۀ «۲»

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینۀ «۱»: «الْمُعَوَّقُ» (با توجه به حرکت فتحه روی عین الفعل) اسم مفعول است.

گزینۀ «۳»: «يُواجِه» فعل مضارع از باب مُفاعلة است که این باب فقط یک حرف زائد دارد.

گزینۀ «۴»: «يَتَغَلَّبُ» فعل مضارع از باب «تَفَعَّلَ» است.

تکته مهم درسی:

حروف زائد افعال ثلاثی مزید، همواره بر اساس اولین صیغۀ فعل ماضی (صیغۀ مفرد مذکر غایب) تعیین می‌شود.

(تحلیل صرفی)

۱۷۸- گزینۀ «۴»

«إِنْ» کلّ جمله پس از خود را تأکید می‌کند، نه فقط اسم بعد از خود را!

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینۀ «۱»: «لَبِيتَ» برای بیان تمنّی (آرزومندی) می‌آید.

گزینۀ «۲»: «كَانَ» برای بیان معنای تشبیه می‌آید.

گزینۀ «۳»: «أَنَّ» برای ایجاد ارتباط میان دو جمله به کار می‌رود. (حرف ربط است.)

(حروف مشبّهه بالفعل)

۱۷۹- گزینۀ «۱»

در گزینۀ «۱»، «مَنْ» اسم «لعلّ» است و «ناجِحٌ» خبر آن و مرفوع است. (ترجمۀ عبارت: امید است کسی که با اخلاص تلاش‌هایش را انجام می‌دهد، موفق باشد!)

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینۀ «۲»: «مَتَّحِدُونَ» خبر «لَبِيتَ» است و باید مرفوع باشد.

گزینۀ «۳»: «عِلْمَاءٌ» اسم «كَانَ» است و باید منصوب باشد.

گزینۀ «۴»: «مَجْتَهِدٌ» خبر «إِنْ» است و باید مرفوع باشد.

(حروف مشبّهه بالفعل)



۱۸۰- گزینه ۲»

کتاب آبی پیمانهای - کلکور قارج از کشور ۱۴۰۳
با توجه به گزینه‌ها، مشخص است که نکات «لا»ی نفی جنس مدنظر سؤال است. قواعد مربوط به اسم «لا»ی نفی جنس تنها در گزینه ۲» به درستی رعایت شده است، در سایر گزینه‌ها به ترتیب: «لا أحد»، «لا كنز» و «لا شيء» صحیح است.

نکات مهم درسی:

- دقت کنید اسم «لا»ی نفی جنس:
- همواره نکره است و «ال» نمی‌گیرد.
- همیشه در آخر خود، علامت فتحه (ـَ) دارد.
- هیچ‌گاه علامت تنوین (ـِ) نمی‌گیرد.

(«لا»ی نفی جنس)

عربی زبان قرآن (۱)

۱۸۱- گزینه ۱»

کتاب آبی پیمانهای
«إِئْلَمَ»: (فعل امر مخاطب) بدان (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / «ثَمَرَةُ الْعِلْمِ»: میوه علم (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «مُدَارَةُ النَّاسِ»: مدارا کردن با مردم (ترجمه)

۱۸۲- گزینه ۲»

(مفهرضا سوری - نه‌اونی)
«علی امتداد»: در امتداد / «هذه الأنایب»: این لوله‌ها (رد گزینه ۳) / «توجد»: وجود دارد (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / «أعمدة اتصالات»: دکل‌های (ستون‌های) مخابراتی (رد گزینه ۱) / «كمحطات انذار»: به‌عنوان ایستگاه‌های هشدار (رد گزینه ۱) / «لوحات تحذیرية»: تابلوهای هشدار (رد گزینه ۴) / «تُحذَرُ»: بر حذر می‌دارد (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «المواطنین»: شهروندان / «من حفر الأرض»: از کندن زمین / «لبناء»: برای ساخت (رد گزینه ۱) / «العمارة»: ساختمان (رد گزینه ۳) / «للزراعة»: برای کشاورزی (رد گزینه ۴) (ترجمه)

۱۸۳- گزینه ۱»

(کامران عبداللهی)
«إذا»: هرگاه، اگر / «تأمل الإنسان»: انسان بیندیشد (فکر کند) / «أسرار البحار»: رازهای دریاها (رد گزینه ۴) / «مخلوقاتها العجیبة»: آفریده‌های شگفت آن (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / «یزداد إیمانیه»: ایمانش بیشتر می‌شود (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «قُدرة الله وَ حکمته»: قدرت و حکمت خداوند (رد گزینه ۴) (ترجمه)

۱۸۴- گزینه ۳»

(عمیدرضا قانر امینی - اصفهان)
تشریح سایر گزینه‌ها:
گزینه ۱»: «وُجِدَ»: پیدا شد
گزینه ۲»: «عَرَفَنی»: به من معرفی کرد
گزینه ۴»: «لنا صَديقٌ»: دوستی داریم
نکات مهم درسی:

- ۱) در ترجمه فعل مجهول، معمولاً از مشتقات فعل «شدن» استفاده می‌کنیم. مثال: «وُجِدَ» فعل ماضی مجهول به معنای «پیدا شد» است.
- ۲) هرگاه حرف «لِ» در ابتدای جمله، بر سر اسم یا ضمیر متصل بیاید، به معنای «داشتن» است. مثال: «لنا صَديقٌ»: دوستی داریم (ترجمه)

۱۸۵- گزینه ۳»

(مفهرموری یعقوبی)
«قطعاً ایران به دست آورده است»: قَدْ اِكْتَسَبَتْ اِيرانُ (رد سایر گزینه‌ها) / «سود زیادی»: (باید مفعول و منصوب باشد) نفعاً کبیراً (رد گزینه ۲) / «از راه انتقال نفت و گاز»: عُبُرَ نَقْلِ النَّفْطِ وَ الْغَازِ (رد سایر گزینه‌ها) / «به بعضی کشورها»: اِلَى بَعْضِ الدَّوَلِ (رد گزینه ۱)
نکته مهم درسی:

اگر حرف «قَدْ» بر سر فعل ماضی بیاید، فعل را به‌صورت ماضی نقلی ترجمه می‌کنیم، همچنین می‌توانیم همراه آن از «قطعاً، بی‌شک» نیز استفاده کنیم. (تعریب)

۱۸۶- گزینه ۳»

(ابوطالب درانی)
نزدیک‌ترین عبارت از لحاظ مفهومی به عبارت صورت سؤال (با هیچ‌چیز مانند عدالت، سرزمین‌ها آباد نشده‌اند!)، در گزینه ۳» آمده است. مفهوم هر دو عبارت این است که عدالت باعث آبادی و پایداری سرزمین‌ها می‌شود. (مفهوم)

۱۸۷- گزینه ۱»

(مصطفی قزیمی‌فرد)
«تُحَذَرُ (مجهول): برحذر داشته می‌شود» نادرست است، زیرا با توجه به معنی، فعل معلوم (تُحَذَرُ: بر حذر می‌دارد) مورد نیاز است.
«لغرض» نادرست است، در این جا «لغرض» صحیح است.
نکته مهم درسی:
حرف جرّ «لِ» با ضمیر، به‌صورت «لِ» (مثلاً: لَکُم) و با غیر ضمیر به‌صورت «لِ» (مثلاً: للمدرسة) می‌آید. (فیض حرکات)

۱۸۸- گزینه ۲»

(مفهرضا سوری - نه‌اونی)
ترجمه عبارت: کشور ما سرشار از نفت است و نفت و مشتقاتش را به کشورهای صنعتی صادر می‌کند!
«تُصَدَّرُ» فعل معلوم است، زیرا انجام‌دهنده دارد و «النَّفْطُ» هم مفعول آن است؛ وجود مفعول نشانه معلوم بودن فعل «تُصَدَّرُ» است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱»: «تَشَاهَدُ السُّفُنُ»: کشتی‌ها مشاهده می‌شوند. «تَشَاهَدُ» فعل مجهول و «السُّفُنُ» نائب فاعل.
گزینه ۳»: «يُستخرجُ الماءُ»: آب استخراج می‌شود. «يُستخرجُ» فعل مجهول و «الماءُ» نائب فاعل.
گزینه ۴»: «تُنْقَلُ مُشْتَقَّاتُ: مشتقات منتقل می‌شود». «تُنْقَلُ» فعل مجهول و «مُشْتَقَّاتُ» نائب فاعل.

(فعل مجهول)

۱۸۹- گزینه ۴»

(الله مسیح‌فواه)
سؤال گزینه‌ای را خواسته که جارو مجرور از ارکان جمله اسمیه است؛ یعنی خبر واقع شده است. تنها در گزینه ۴» جار و مجرور خبر واقع شده است.
تشریح سایر گزینه‌ها:
گزینه‌های «۱ و ۳» جمله فعلیه است و در گزینه ۲» «قد صنعت» خبر است، نه «لِلوفاة».

(انواع جملات)

۱۹۰- گزینه «۳»

(امیرعلی فردین - گنبد کاووس)

اسمی که بعد از حرف جر می‌آید، مجرور به حرف جر می‌شود. عبارت داده شده در صورت سؤال، دارای سه اسم مجرور به حرف جر است: الدلفین، الغرق و الشاطئ.

(صروف هر)

عربی، زبان قرآن (۳)

۱۹۱- گزینه «۲»

(نویز امساک)

«قالوا»: گفتند / «لا علم لنا»: «لا» ی نفی جنس / هیچ علمی نداریم (رد) گزینه‌های ۱ و ۴ / «إنک»: همانا تو (رد) گزینه ۴ / «عَلَّام»: بسیار دانا (رد) گزینه ۱ / «الغیوب»: پنهان‌ها (رد) گزینه ۳

(ترجمه)

۱۹۲- گزینه «۴»

(سیر مظهرعلی مرتضوی)

«لا شيء»: هیچ چیزی نیست (رد) گزینه‌های ۲ و ۳ / «أَسْوَأُ»: (اسم تفضیل) بدتر (رد) گزینه ۳ / «أن تظلم إنساناً»: که به انسانی ستم کنی (رد) گزینه‌های ۱ و ۲ / «ليس له أحد»: کسی را ندارد (رد) گزینه ۱ / «سوی الله»: به جز خدا

(ترجمه)

۱۹۳- گزینه «۴»

(کتاب آبی پیمانه‌ای)

«لکلّ انسان هدف»: هر انسانی هدفی دارد (ل + اسم = داشتن) (رد سایر گزینه‌ها) / «تعیش»: زندگی می‌کند / «تسعی»: می‌کوشد / «تحقیقه»: برآورده کردن آن / «لا هدف له»: هیچ هدفی ندارد / «تصیح»: می‌شود / «حیاته»: زندگی‌اش / «غبتا»: عبث، بی‌پرده

(ترجمه)

۱۹۴- گزینه «۴»

(مظهرصادق مفسنی)

ترجمه صحیح عبارت گزینه «۴»: همانا عاقل میان دیگران دشمنی کسب نخواهد کرد!

(ترجمه)

۱۹۵- گزینه «۴»

(مظهرصادق مفسنی)

در گزینه «۴»، «إنما فقط» و «سوی: به جز» متضاد نیستند.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: جمع «المعجم» (فرهنگ لغت)، «المعاجم» است.

گزینه «۲»: «رَبَّ» با «شک» مترادف است.

گزینه «۳»: مفرد «نقاد»، «ناقد» است.

(واگران و مفعوم)

۱۹۶- گزینه «۴»

(نویز امساک)

ترجمه عبارت گزینه «۴»: آب میوه‌گیری: آب میوه‌ها که گرفته می‌شود و به دلیل فوایدش برای بدن نوشیده می‌شود! (نادرست است).

(واگران و مفعوم)

۱۹۷- گزینه «۳»

(سیر مظهرعلی مرتضوی)

در گزینه «۳»، «التفکر» از باب تفعّل است و دو حرف زائد دارد؛ همچنین دقت کنید که «مثل» یک اسم است، نه حرف جر؛ بنابراین «التفکر» مضاف الیه است، نه مجرور به حرف جر.

(تقلیل صرفی و اعراب)

۱۹۸- گزینه «۳»

(علی‌اکبر ایمان‌پرو)

بر اساس متن، مفهوم هیچ اراده و نیرویی مگر به‌وسیله خدا نیست، بر قدرت زیاد خداوند و تسلیم شدن انسان به مشیت و خواست و اراده‌ی او دلالت دارد.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: همانا خداوند ضامن روزی دادن است.

گزینه «۲»: اگر در کارهایمان صبر کنیم حتماً رستگار می‌شویم.

گزینه «۴»: انسان باید از کارهای دیگران و قدرت خداوند پند بگیرد.

(مفعوم)

۱۹۹- گزینه «۲»

(مهران ترکمان)

«خَفَ»: فعل امر با کسره‌ی عارضی ← خَفِ

«قُلْ»: فعل امر با کسره‌ی عارضی ← قُلِ

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: «إِخْتَارَ» فعل ماضی للغائب از باب افتعال است.

گزینه «۳»: با توجه به «التلمیذة»، «أجیبینی» درست است.

گزینه «۴»: عبارت بر صیغه غایب دلالت دارد، پس فعل آن باید «یستقیمن» باشد.

(معتلات)

۲۰۰- گزینه «۳»

(امیر طریقی)

شکل درست جمله مجهول در گزینه «۳»، این گونه است:

«علیک أن تجیبی إذا دُعیت!»

شکل مجهول «دَعَاکَ» می‌شود «دُعِیتَ» که ضمیر بارز «تَ» نایب فاعل و محلاً مرفوع است، که در صیغه‌ی للمخاطبة می‌شود «دُعِیتَ».

(معتلات)

تاریخ اسلام (۲)

۲۰۱- گزینه «۲»

(زهره دامپار)

نهضت ترجمه در عصر خلافت عباسی رونق یافت و اقدامات جدی در این باره انجام شد. در عصر هارون عباسی، مکانی به نام بیت‌الحکمه تأسیس شد که اختصاص به جمع‌آوری و ترجمه کتاب‌های دیگر ملت‌ها داشت.

(تاریخ اسلام (۲)، فرهنگ و تمدن اسلامی، صفحه ۱۲۲)

۲۰۲- گزینه «۴»

(میلاد هوشیار)

وظیفه دیوان برید، خبررسانی، انتقال فرمان‌های حکومتی، و جمع‌آوری اخبار از نقاط مختلف و ارسال آن‌ها به مرکز خلافت بود. این دیوان، به مرور زمان، نقش جاسوسی و امنیتی نیز پیدا کرد.

(تاریخ اسلام (۲)، فرهنگ و تمدن اسلامی، صفحه ۱۲۴)

۲۰۳- گزینه «۱»

(زهره دامپار)

از معروف‌ترین مورخان می‌توان از ابن‌اسحاق، یعقوبی، طبری، مسعودی، شیخ مفید و ابن‌مسکویه نام برد.

(تاریخ اسلام (۲)، فرهنگ و تمدن اسلامی، صفحه ۱۳۱)

۲۰۴- گزینه «۲»

(زهره دامپار)

در طول دوره حاکمیت عباسیان، نقاط مختلف قلمرو اسلامی درگیر جنگ‌ها و هرج‌ومرج‌های شدیدی شد که تشکیل حکومت‌های کوچک و بزرگی را در نواحی گوناگون به دنبال داشت.

جنگ‌های صلیبی از سوی مسیحیان اروپا بر مسلمانان تحمیل شد و نتیجه آن، ضعف و خسارت برای مسلمانان از سویی، و آشنایی اروپاییان با تمدن اسلامی از سوی دیگر بود.

(تاریخ اسلام (۲)، فرهنگ و تمدن اسلامی، صفحه‌های ۱۳۱ تا ۱۳۵)

۲۰۵- گزینه «۲»

(زهره دامپار)

با سقوط دولت‌های صفوی و گورکانی و سپس عثمانی، تمدن اسلامی مجدداً با ضعف و رکود همراه شد.

این رخداد ناشی از چند عامل بود:

۱- پیدایش دولت‌های استعمارگر غربی و دست‌اندازی آن‌ها به کشورهای اسلامی

۲- بی‌لیاقتی حاکمان کشورهای اسلامی و مرعوب شدن آن‌ها در برابر استعمار

۳- تجزیه قلمرو اسلامی به کشورهای کوچک و ایجاد نزاع و دشمنی بین آن‌ها توسط استعمار

(تاریخ اسلام (۲)، فرهنگ و تمدن اسلامی، صفحه ۱۳۷)

تاریخ اسلام (۱)

۲۰۶- گزینه «۲»

(میلاد هوشیار)

انحراف جریان خلافت از مسیر ترسیم‌شده توسط رسول خدا (ص) سبب شد رفته‌رفته رهبری سیاسی جامعه در دستان کسانی قرار گیرد که کمترین شایستگی را نسبت به خلافت و حاکمیت دارا نباشند.

(تاریخ اسلام (۱)، حماسه حسینی، صفحه ۱۰۷)

۲۰۷- گزینه «۲»

(میلاد هوشیار)

رهبران حزب اموی با دیدن گرایش مردم کوفه به فرستاده امام حسین (ع)، از رفتار نرم نعمان بن بشیر والی کوفه یزید را مطلع کردند؛ از این‌رو، یزید او را عزل و عبیدالله بن زیاد را که والی بصره بود برای کوفه نیز نصب کرد.

(تاریخ اسلام (۱)، حماسه حسینی، صفحه ۱۱۰)

۲۰۸- گزینه «۱»

(میلاد هوشیار)

در سال ۶۳ هجری، گروهی از بزرگان مدینه از سوی والی مدینه به شام فرستاده شدند تا یزید ضمن بذل و بخشش به آنان، چهره خود را که پس از شهادت امام حسین (ع) به شدت نزد آنان مخدوش شده بود، بهبود بخشد اما آنان یزید را دارای اوصاف و خلق و خویی یافتند که به هیچ‌وجه با اوصاف یک فرمانروای اسلامی سازگاری نداشت؛ از این‌رو، گفتند که حاضر به اطاعت از او و پذیرش امامتش نمی‌باشند و رفته‌رفته در مدینه شورش به‌پا شد.

(تاریخ اسلام (۱)، امام سجاد (ع)، صفحه ۱۲۰)

۲۰۹- گزینه «۲»

(میلاد هوشیار)

در جبهه غربی، سال ۹۲ ق. اندلس (اسپانیا) به دست مسلمانان افتاد. اما ضعف و تزلزل حاکمیت اموی در قرن دوم، موجب توقف فتح دیگر مناطق اروپایی شد.

(تاریخ اسلام (۱)، امام سجاد (ع)، صفحه ۱۲۲)

۲۱۰- گزینه «۳»

(میلاد هوشیار)

بنی‌امیه که افکار مرجئه را به سود خود می‌دید، تلاش زیادی در جهت ترویج عقاید آنان انجام داد.

(تاریخ اسلام (۱)، امام محمد باقر (ع)، صفحه ۱۲۷)